



به نام خدا



گزارش کارشناسی

بازپرداخت بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی
راهکارهای مبتنی بر بند «ن» تبصره ۵
قانون بودجه سال ۹۷ کشور



وزارت امور اقتصادی و دارایی

اقتصاد و سرمایه‌گذاری





سازمان تأمین اجتماعی

بازپرداخت بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی

راهکارهای مبتنی بر بند «ن» تبصره ۵
قانون بودجه سال ۹۷ کشور

واژه‌های کلیدی:
دولت

بازپرداخت بدهی
بند ن

قانون بودجه

سازمان تأمین اجتماعی
تبصره ۵

تهیه و تدوین: کامبیز لعل
ناظر علمی: فردین یزدانی

شماره مسلسل: EI۲۷DF (۹۸/۱۹)

تاریخ انتشار گزارش: ۹۸/۱۰/۴



خواننده گرامسی از طریق
اسکن بارکد، می‌تواند جهت
شرکت در نظرسنجی این
کتاب به لینک مربوط به آن
مراجعه کند.



فهرست مطالب

۴	پیشگفتار مؤسسه
۶	فصل اول: تشریح مفهوم و واکاوی ابعاد پژوهش
۱۲	فصل دوم: بازپرداخت بدهی‌های دولت به سازمان تأمین اجتماعی در قوانین و مقررات
۲۲	فصل سوم: نکات حاصل از مصاحبه
۳۵	فصل چهارم: جمع‌بندی، نتایج تحقیق و پیشنهادات
۴۴	پیوست: مستندات قانونی

پیشگفتار مؤسسه

سازمان تأمین اجتماعی با پوشش بیش از نیمی از جمعیت کشور در قالب بیمه شده و مستمری بگیر اصلی و تبعی بزرگ ترین صندوق تأمین اجتماعی ایران محسوب می شود. بنابراین سرنوشت حمایت های اجتماعی در کشور به گونه ای به سرنوشت صندوق تأمین اجتماعی و پایداری آن گره خورده است که این مهم اهمیت توجه به وضعیت مالی این صندوق را دوچندان می کند.

آمارهای مربوط به درآمد و هزینه سازمان حاکی از کسری نقدینگی شدید است که بخش اعظم این کسری را می توان به نقد نشدن درآمدهای تعهدی سازمان نسبت داد. درآمدهایی که سهم بالایی از آن را مطالبات از دولت تشکیل می دهد.

بر این اساس یکی از نکات مهم در سیاستگذاری های سازمان تأمین اجتماعی نحوه تعامل با دولت و وصول این مطالبات و کاهش کسری نقدینگی است. در همین راستا تاکنون، در چند مرحله و برای بازپرداخت دیون دولت به سازمان تأمین اجتماعی، تعدادی از شرکت های دولتی به سازمان واگذار شده اند که هر یک شرایط و سرنوشت متفاوتی نیز داشته اند.

در سال ۹۷ با ابتکاری جدید برای اولین بار این باز پرداخت بدهی دولت به سازمان با پیشنهاد دور جدیدی از واگذاری ها در قالب بندی





از قانون بودجه کشور آورد شده است که گامی مهم و اثربخش در جهت تسویه این بدهی‌ها محسوب می‌شود.

از این رو مؤسسه عالی پژوهش سازمان تامین اجتماعی در راستای شناسایی ظرفیت‌های این بند قانونی و بسط سازوکارهای اجرایی آن اقدام به تهیه و تدوین این گزارش با استناد به مفاد قانونی موجود و مرتبط و بهره‌گیری از دانش و تجربه اندوخته مدیران و صاحب‌نظران این حوزه کرده است. امید است که با جمع‌آوری و ارائه درس آموخته‌های کسب شده از تجربه‌های پیشین واگذاری‌های دولتی به سازمان و ارائه پیشنهادات مطرح شده در قالب گزارش حاضر بتوان کمکی هرچند اندک به تصمیم‌گیری درست و اقدامی راهگشا در تعامل با دولت به منظور دریافت مطالبات سازمان نمود.

فصل اول: تشریح مفهوم و واکاوی ابعاد پژوهش

مقدمه

تاکنون، در چند مرحله و برای بازپرداخت دیون دولت به سازمان تأمین اجتماعی، تعدادی از شرکت‌های دولتی به سازمان واگذار شده‌اند که هر یک شرایط و سرنوشت متفاوتی نیز داشته‌اند. در بودجه سال ۹۷ هم به موضوع بازپرداخت دیون پرداخته شده و در بند "و" و "ن" تبصره ۵ تلاش شده که راهکاری برای بازپرداخت آنها ارائه دهد.

در بند "و" به دولت اجازه داده شده تا از طریق اسناد (اوراق) تسویه خزانه، بدهی‌های قطعی خود به اشخاص حقیقی و حقوقی، تعاونی و خصوصی که در چهارچوب مقررات مربوط تا پایان سال ۱۳۹۶ ایجاد شده را با مطالبات قطعی دولت (وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی) از اشخاص مزبور، تا سقف ۲ هزار میلیارد تومان، تسویه کند. در واقع بر اساس این بند و آیین‌نامه اجرایی آن، قرار است بخشی از بدهی سازمان تأمین اجتماعی و شرکت‌های تابعه آن، به بانک‌ها، با دیون دولت به سازمان تأمین اجتماعی تسویه شود. مفاد بند «و» اگرچه

۱. لازم به ذکر است که این گزارش در سال ۹۷ تهیه شده است و موضوع آن بررسی بند ن تبصره ۵ بودجه همان سال بوده است. با این حال، اکنون که چاپ گزارش در سال ۹۸ صورت می‌گیرد موضوع بازپرداخت بدهی‌های دولت به سازمان تأمین اجتماعی که امسال نیز در قانون بودجه منتها در بند و تبصره ۲ گنجانده شده، در پیوست این گزارش اضافه شده است.

می‌تواند بخشی از مشکلات اعتباری شرکت‌های تابعه را حل و فصل نماید، اما سقف آن، در مقایسه با حجم بدهی‌های دولت به سازمان، بسیار اندک است.

به استناد اسناد بودجه کل کشور، حدود ۴۰ سال است که دولت تعهدات خود به سازمان تأمین اجتماعی را پرداخت نکرده و برآوردها نشان از آن دارد که دولت بیش از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان به سازمان بدهکار است. نظر به محدودیت‌های اقتصادی در ایران، ابزارهای مالی مناسبی در اختیار دولت نیست تا از آنها برای بازپرداخت این بدهی‌ها استفاده کند. بنابراین یکی از راهکارهای موجود، واگذاری شرکت‌های دولتی یا امتیازات اقتصادی دولت است.

بند "ن" تبصره ۵ بودجه سال ۱۳۹۷، ظرفیت‌های بیشتری برای پرداخت دیون دولت در خود دارد. در این بند به دولت اجازه داده شده تا سقف ۵۰ هزار میلیارد تومان از دیون خود به سازمان تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی لشکری و کشوری را از طریق روش‌های زیر بپردازد:

۱. ارائه حق‌الامتیاز و حقوق مالکانه در چهارچوب قوانین و مقررات، پس از محاسبات دقیق کارشناسی توسط کارشناسان خبره و تأیید هیئت‌وزیران؛
۲. تأمین خوراک انرژی با قیمت ترجیحی برای واحدهای تولیدی موجود در مناطق ویژه اقتصادی؛
۳. واگذاری پروژه‌ها و طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مهم در دست اجرای کشور؛
۴. واگذاری خانه‌های سازمانی دولتی که باید مطابق قوانین و مقررات به فروش برسد.

مهم‌ترین نکته در خصوص بندهای چهارگانه ابهام در تعاریف واژگان مورد استفاده در آن است. حق‌الامتیازها، حقوق مالکانه، خوراک انرژی و قیمت ترجیحی از جمله مواردی است که نیاز به شفاف‌سازی و تعریف دقیق دارند. پس از تعریف حوزه‌های مربوطه، شناسایی مصادیق هر یک از آنها نیاز به همکاری‌های بین بخشی فراوان دارد.

علاوه بر آن، بسیاری از حقوق مندرج در بند یک، به موجب قانون یا در زمره انفال می‌باشند یا به عنوان ثروت‌های عمومی شناسایی شده‌اند. بنابراین واگذاری

آنها، نیاز به قانون مستقل دارد. همچنین، حقوق مورد اشاره، موجب درآمدهایی هستند که هر ساله هم، به عنوان درآمدهای دولت، در ردیف‌های مشخص بودجه ذکر می‌گردد. قطعاً بدنه دولت در خصوص واگذاری بخش‌های درآمدزای خود مقاومت خواهند کرد. بسیار بعید به نظر می‌رسد به استناد تبصره‌ای در بودجه سالانه، مثلاً وزارت نفت، حاضر باشد حقوق خود در زمینه بهره‌برداری از میادین یا اسکله‌های نفتی را به سازمان‌های بیمه‌ای واگذار نماید. به هر حال، درآمدهای همه بخش‌های دولت، در بودجه، پیش‌بینی شده و به‌ازای آنها نیز هزینه‌هایی در نظر گرفته شده است. بنابراین، واگذاری حق‌الامتیازها و حقوق مالکانه، حتی اگر محدودیت قانونی دیگری هم نداشته باشد و دستگاه‌های دولتی هم همکاری کامل داشته باشند، در کوتاه‌مدت، موجب برهم‌خوردن تعادل بودجه خواهد شد.

از سوی دیگر، به‌نظر می‌رسد که به غیر از بند نخست، سایر بندهای فوق، ظرفیت‌های زیادی برای بازپرداخت دیون به سازمان تأمین اجتماعی ایجاد نمی‌کنند. تعداد واحدهای تولیدی سازمان که مستقر در مناطق ویژه اقتصادی هستند و نیاز به خوراک یا انرژی هم دارند، بسیار اندک است. هزینه تأمین خوراک یا انرژی آنها، حتی در افق پنج‌ساله هم، آنقدر نخواهد بود که سهم مهمی از سقف پرداخت مندرج در قانون را پوشش دهد.

در بند سوم به پروژه‌ها و طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، با قید مهم، اشاره شده است. اول اینکه شاخص‌های مهم‌بودن باید تعریف شود. دوم اینکه هر یک از این طرح‌ها، برای بهره‌برداری و درآمدزا شدن نیاز به تأمین اعتبار فراوان دارند. در حالی که سازمان تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی لشکری و کشوری، هر یک به‌دلیلی، دچار کمبود نقدینگی هستند و حداقل در زمان فعلی، منابع لازم برای تأمین مالی آن پروژه‌ها را ندارند. بنابراین واگذاری چنین پروژه‌هایی علاوه‌بر اینکه مشکلی از مشکلات فعلی آنها کم نمی‌کند، آنها را گرفتار تعهدات کوتاه مدتی هم می‌نماید که ممکن است برای این سازمان‌ها پیامدهای سیاسی و اجتماعی هم داشته باشد. خانه‌های سازمانی دولتی هم مشروط به اجازه تغییر کاربری می‌تواند جذابیت‌هایی برای سرمایه‌گذاری داشته باشد. در غیراینصورت، نمی‌تواند منبعی درآمدزا برای سازمان‌های بیمه‌گر باشد.

در مجموع باید گفت، در شرایطی که بحران صندوق‌های بیمه‌گر یکی از ابربحران‌های اقتصاد معرفی شده و در وضعیتی که این صندوق‌ها دچار کمبود نقدینگی می‌باشند، توجه مجلس به موضوع بازپرداخت بدهی دولت به سازمان‌های بیمه‌گر بسیار کار ارزنده‌ای بوده و جای تقدیر دارد. ولی به نظر می‌رسد که این موضوع برای اجرایی‌شدن، علاوه بر اینکه نیاز به زمانی بیشتر از یک‌سال دارد، نیاز به شفاف‌سازی و تشریح نیز دارد. اهمیت موضوع به حدی است که می‌تواند حتی به صورت قانون مستقلی نیز در دستور کار مجلس قرار گیرد. نکته دیگری که باید مورد توجه دولت و مجلس محترم قرار گیرد، توجه به ایجادنشدن بدهی‌های جدید است. به عنوان مثال بر خلاف تلاشی که در زمان تنظیم تبصره‌های بودجه انجام شده، بعید به نظر می‌رسد که به‌غیراز موضوع بند «۹» و تهاثر بدهی شرکت‌های تابعه با بانک‌ها، بخش دیگری از بدهی‌های دولت به سازمان‌های بیمه‌ای تسویه شود. این در حالی است که بنابه پیش‌بینی‌های بودجه سال جاری سازمان تأمین اجتماعی، تعهدات دولت به این سازمان، در سال جاری، بالغ بر ۱۸ هزار میلیارد تومان است. در نتیجه، علاوه بر اینکه مبلغ قابل توجهی از بدهی‌ها بازپرداخت نشده، مقدار زیادی هم، به مجموع بدهی‌ها افزوده شده است. بنابراین، علاوه بر تسویه بدهی‌ها، ایجادنشدن بدهی جدید هم، باید، در دستور کار دولت و مجلس قرار گیرد.

تعریف مسئله

در قانون بودجه سال جاری و در تبصره ۵ آن به موضوع تسویه بدهی‌های دولت به سازمان تأمین اجتماعی پرداخته شده است. این موضوع همراه با عدم شفافیت بوده و چارچوب اجرایی آن نامشخص است. به نظر می‌رسد که مقاومت‌هایی هم در بدنه دولت وجود دارد. از سوی دیگر، اعتبار تبصره‌های بودجه فقط یک‌سال است و ممکن است سال آینده چنین امکانی وجود نداشته باشد. بنابراین، مسئله اصلی، شناسایی راهکارهای بهره‌مندشدن سازمان تأمین اجتماعی از مفاد بند "ن" تبصره ۵ قانون بودجه سال ۱۳۹۷ می‌باشد.

مصاحبه، ابزاری متداول برای جمع‌آوری اطلاعات از طریق تعامل مستقیم کلامی میان مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده است. مصاحبه می‌تواند به صورت فردی یا گروهی و برای سه هدف عمده انجام شود:

- مصاحبه می‌تواند پیش از شروع فرایند اصلی پژوهش، به عنوان یک ابزار برای شناسایی متغیرها و روابط آنها و پیشنهاد فرضیه‌ها به کار رود.

- مصاحبه می‌تواند ابزار اصلی تحقیق باشد. در این صورت، مصاحبه شامل پرسش‌هایی خواهد بود که مرتبط با هدف‌های تحقیق بوده و با فراهم کردن امکان دسترسی به آنچه درون ذهن افراد است، موجبات اندازه‌گیری آنچه را فرد می‌داند (آگاهی یا اطلاعات)، آنچه را فرد دوست دارد یا ندارد (ارزش‌ها و ترجیحات) و آنچه را فرد فکر می‌کند (نگرش‌ها و عقاید) ممکن می‌سازد.

- مصاحبه می‌تواند به عنوان مکمل سایر ابزارها در یک پژوهش در حال انجام، مورد استفاده قرار گیرد و امکان دنبال کردن نتایج غیرمنتظره، تعیین اعتبار سایر روش‌ها یا بررسی عمیق‌تر انگیزه‌های پاسخ‌دهندگان و دلایلی را که برای پاسخ‌هایشان ارائه می‌دهند، ممکن می‌سازد (کریمی و نصر، ۱۳۹۱، ۷۳). به نقل از کوهن و مانین، ۱۹۸۶، ص ۳۰۹).

با این وجود باید توجه داشت که نظرات مختلفی در مورد نقاط ضعف و قوت مصاحبه‌ها وجود دارد. برخی از محققان در استفاده از مصاحبه، با وجود اهمیت و کاربرد وسیعش، تردید دارند. آنها اظهار می‌دارند نتایجی که از طریق یک مطالعه مبتنی بر مصاحبه به دست می‌آید، می‌تواند دامنه‌ای از داده‌های با ارزش تا اطلاعاتی را، که فاقد ارزشند دربرگیرد. عواملی مانند اطلاعات جهت‌دار، اطلاعات نمایشی، اطلاعات اغراق‌آمیز و اطلاعاتی که به دلیل جاه‌طلبی شخصی ارائه می‌شود، همچنین، تلاش مصاحبه‌شونده‌ها برای دلیل تراشی و دادن پاسخ بر اساس شایعات، از عواملی است که آگاهانه، موجب کسب اطلاعات نادرست از مصاحبه می‌شود (دلاور، ۱۳۸۳، ص ۱۵۹). به نقل از ویچ و بنزمن). علاوه بر این عوامل، کیفیت گفت‌وگوی مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده و نگرش‌ها و تعصبات مصاحبه‌گر نیز به شکل ناآگاهانه موجب جهت‌داربودن نتایج مصاحبه می‌شود. با

توجه به این عوامل، این گروه از محققان نتیجه می‌گیرند: استفاده از سایر فنون و ابزارهای پژوهش باید در اولویت قرار گیرد (کریمی و نصر، ۱۳۹۱، ۷۲).

در مقابل، برخی از محققان، مصاحبه را مطمئن‌ترین و بهترین ابزار جمع‌آوری اطلاعات می‌دانند (کوهن و مانین، ۱۹۸۶، ص ۳۰۷). آنها تأکید می‌کنند که اگر مصاحبه طبق اصول و موازین صحیح انجام گیرد و با استفاده از تدابیر گوناگون قابلیت اعتماد داده‌های مصاحبه افزایش یابد، می‌توان از فواید این ابزار در پژوهش‌ها بهره‌گرفت (کریمی و نصر، ۱۳۹۱، ۷۲).

با علم به همهٔ موارد فوق، روش مورد استفاده در این مطالعه، مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای همراه با مصاحبه بوده است. به این ترتیب که ابتدا بر اساس هدف تعریف شده و برای شناخت بهتر مسئله به مطالعهٔ اسناد موجود در زمینهٔ پرداخت بدهی‌های دولت به سازمان تأمین اجتماعی در قوانین برنامه‌های توسعه پرداخته شده و پس از آن برای تکمیل آگاهی و اطلاعات موجود در این زمینه و در راستای تایید یا رد پیش‌فرض‌های اولیه با افراد مطلع و دست‌اندرکار در این حوزه، مصاحبه انجام شده است. از آنجا که سؤالات مصاحبه، براساس یافته‌های مرحلهٔ نخست، از قبل مشخص شده بود و از همهٔ مصاحبه‌شونده‌ها، پرسش‌های مشابه پرسیده شد و آنها آزاد بودند که پاسخ خود را به هر طریقی که صلاح می‌دانستند ارائه کنند، شیوهٔ مصاحبه، مصاحبهٔ نیمه ساختار یافته قلمداد می‌گردد. روش تحلیل داده‌های مصاحبه هم، روش تفسیری بوده است. محورهای گفت‌وگو و موضوعاتی که پرسش‌های مصاحبه بر اساس آن تنظیم شده نیز به شرح زیر است:

- روش‌های بازپرداخت بدهی‌های دولت به سازمان‌های بیمه‌گر؛
- آسیب‌شناسی شرکت‌های واگذار شده در تهارهای پیشین؛
- قابل اجرا بودن و نحوهٔ اجرای مفاد بند «ن» تبصرهٔ ۵؛
- مصادیق برگرفته از مفاد بند «ن» تبصرهٔ ۵ و اولویت‌های سازمان در این خصوص؛
- الزامات مورد توجه سازمان؛
- امکان‌سنجی قانون دائمی برای بازپرداخت دیون و جلوگیری از ایجاد بدهی جدید.

فصل دوم: بازپرداخت بدهی‌های دولت به سازمان تأمین اجتماعی در قوانین و مقررات

مقدمه

در این فصل از گزارش، مروری بر قوانین و مقرراتی که به موضوع بازپرداخت بدهی‌های دولت به سازمان تأمین اجتماعی به‌طور خاص یا صندوق‌های بیمه‌ای به‌طور عام، پرداخته‌اند، صورت گرفته است. همچنین سعی شده که سایر قوانینی را هم که می‌تواند موضوع تأدیة بدهی‌ها را تحت تأقییر قرار دهد مورد بررسی قرار گیرد. این فصل به سه بخش تقسیم می‌گردد. بخش نخست به بررسی قوانین برنامه‌های توسعه اختصاص دارد و بخش دوم سایر قوانین را پوشش می‌دهد. بخش سوم هم به استخراج گام‌های اجرایی برای نهایی‌شدن پرداخت بدهی‌ها اختصاص یافته است. هدف از این فصل، شناسایی قوانین موجود و ظرفیت‌های آن، همچنین آسیب‌شناسی قوانین و شناسایی فرایندهای اجرایی و ارائه راهکارهایی برای رفع مشکلات است.

قوانین برنامه‌های توسعه

بررسی قانون برنامه اول توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور اولین گام در تحلیل اسناد قانونی است. در این قانون، علاوه بر اینکه به این موضوع پرداخته نشده، بلکه به سازمان تکلیف شده که برای راه‌اندازی طرح‌های عمرانی، به دستگاه‌های دولتی وام بدهد. در بند

«ه» تبصره ۲۹ قانون برنامه اول به وزارت کشاورزی اجازه داده شده که به منظور خودکفایی در امر شکر مورد نیاز جامعه و تأمین بخشی از سایر نیازهای غذایی و صنعتی کشور، نسبت به ایجاد هفت واحد کشت و صنعت نیشکر و ایجاد کارخانجات و سایر تأسیسات وابسته و تکمیلی و برخی واحدهای تولیدی دیگر، اقدام نماید و اعتبارات ریالی مورد نیاز آن را به میزان چهارصد میلیارد ریال به صورت وام از سیستم بانکی و سازمان تأمین اجتماعی دریافت کند. البته لازم به ذکر است که این بند از قانون در اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۱ اصلاح شده و نام تأمین اجتماعی از تأمین کنندگان مبلغ وام حذف شد. بنابراین، موضوع بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی در قانون برنامه اول توسعه مسکوت است.

در قانون برنامه دوم توسعه و در تبصره ۴۳ آن، بازپرداخت بدهی دولت به صندوق بازنشستگی کشوری، مورد توجه نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی قرار گرفته ولی کماکان بی‌توجهی به دیون دولت به سازمان تأمین اجتماعی امری است که کماکان در طول برنامه دوم ادامه داشته است. همین موضوع که چرا موضوع پرداخت بدهی‌های دولت به سازمان تأمین اجتماعی که مهمترین بخش نظام رفاه در کشور است، مورد غفلت برنامه‌ریزان توسعه قرار می‌گیرد جای بررسی و آسیب‌شناسی دارد. اگر موضوعی به این اهمیت در اولویت‌های اصلی برنامه‌ریزان نباشد و در برنامه توسعه قرار نگیرد، نباید امروز از بحران صندوق‌های بیمه‌ای متعجب باشیم. به نظر می‌رسد این وضعیت ناشی از نوع نگاه تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران کشور به نظام رفاه و تأمین اجتماعی و عدم شناخت درست آنها از اهمیت، ضرورت و جایگاه این نظام باشد. با توجه به جایگاه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به عنوان متولی امر برنامه‌ریزی و تخصیص بودجه به نظر می‌رسد که مسئولیت اصلی بر عهده این سازمان است.

اما بالاخره، در قانون برنامه سوم توسعه بازپرداخت بدهی به همه صندوق‌های بیمه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرد. فصل پنجم آن قانون به نظام تأمین اجتماعی و یارانه‌ها اختصاص داشت و در ماده ۳۹ ذیل آن فصل با هدف فراهم کردن امکان افزایش خدمات قابل ارائه به بیمه‌شدگان و جلوگیری از بروز بحران مالی در سازمان‌های بیمه‌ای و تقویت بنیه مالی آنها، دولت مکلف شد ضمن پرداخت تعهدات سالیانه خود به سازمان‌های بیمه‌ای و عدم ایجاد بدهی جدید تا پایان

برنامه سوم، پنجاه درصد (۵۰٪) بدهی‌های خود را نیز به سازمان‌های مذکور پرداخت کند.

در این ماده نکته دیگری هم مورد اشاره قرار گرفته بود و آن هم شیوه بازپرداخت بدهی‌ها بود. بر اساس مفاد ماده ۳۹ قانون برنامه سوم، مقرر شد که بازپرداخت دیون به شیوه تهاثر با شرکت‌های دولتی و اموال و دارائی‌های دولت و طرح‌های نیمه‌تمام متناسب با فعالیت بیمه‌ها باشد. این ماده و این شیوه پرداخت، تقریباً در تمام برنامه‌های بعدی و سایر قوانینی که به موضوع تأدیه بدهی‌های دولت به بیمه‌ها اشاره داشته، تکرار شده است.

بر اساس گفت‌وگوهای صورت گرفته که گزیده آن در بخش بعدی ارائه خواهد شد، مصاحبه‌شونده‌ها به تهاثرهای انجام شده بر اساس همین ماده قانونی اشاره کرده‌اند و ضمن تأکید بر سهام، دارایی‌ها و شرکت‌های خوبی که در آن دوره منتقل شده، به آسیب‌شناسی موضوع هم پرداخته‌اند. البته لازم به ذکر است که گزارشی از میزان تحقق این ماده در دسترس نیست ولی به‌تصور نگارنده، تمام تعهدات دولت، ناشی از متن قانون، به سازمان تأمین اجتماعی تأدیه نشده است. به‌نظر می‌رسد، لازم است تحقیقی در زمینه تاریخچه سرمایه‌گذاری‌های سازمان و تاریخ واگذاری شرکت‌ها انجام شود تا بتوان برآورد مناسبی از میزان تحقق برنامه‌ها و سایر قوانین با موضوع بازپرداخت بدهی دولت داشت.

بند «۵» ماده ۹۶ قانون برنامه چهارم توسعه خواستار اتخاذ تمهیدات لازم جهت بازپرداخت بدهی دولت به سازمان‌های بیمه‌ای شده است. البته مفاد این بند، دو قید دیگر هم داشته، نخست، جلوگیری از ایجاد بدهی جدید و دوم تسویه کل بدهی دولت به سازمان‌های بیمه‌ای تا پایان برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. البته ناگفته پیداست که این قانون هم، به‌درستی و به‌تمامی، اجرا نشده است. البته در این قانون اشاره‌ای به شیوه بازپرداخت دیون نشده ولی بر اساس ادعای مصاحبه‌شوندگان، به‌نظر می‌رسد که باز هم شیوه‌های تأکید شده در برنامه سوم مدنظر بوده است.

برنامه پنجم توسعه هم به موضوع دیون دولت به دستگاه‌های موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۵) قانون محاسبات عمومی کشور و صندوق‌ها و اشخاص حقوقی دولتی و عمومی پرداخته است. البته به روش‌های

بازپرداخت اشاره‌ای نکرده است ولی تاکید شده باید از طریق پیش‌بینی در قوانین بودجه سنواتی اقدام گردد. این موارد در ماده ۶۶ این قانون درج شده است. البته بر اساس مواد ۲۶ و ۲۹ این قانون هم می‌توان اقداماتی در راستای تأمین منافع سازمان تأمین اجتماعی انجام داد.

تقویت سازوکارهای وصول به موقع حق بیمه‌ها و تقویت فعالیت‌های اقتصادی و همچنین واگذاری سهام مدیریتی که در ازاء مطالبات به صندوق‌ها واگذار می‌شود به بخش‌های خصوصی و تعاونی بر اساس برنامه زمانبندی شده‌ای که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد از جمله مواردی است که در ماده ۲۶ به آن اشاره شده است. ماده ۲۹ هم در خصوص ممنوعیت ایجاد بار مالی جدید به بیمه‌ها نکاتی مطرح کرده است.

طبق سیاق برنامه‌های سوم تا پنجم، در برنامه ششم نیز موضوع بازپرداخت بدهی دولت به صندوق‌های بیمه‌ای، البته با اشاره به شیوه‌های بازپرداخت و قید درج در بودجه‌های سنواتی مطرح شده است. در صدر این ماده چنین آمده است: دولت مکلف است در طول اجرای قانون برنامه در قالب بودجه سنواتی نسبت به تأدیه بدهی حسابرسی شده خود به سازمان تأمین اجتماعی از محل سهام قابل واگذاری دولت در قالب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی و اصلاحات بعدی آن، املاک مازاد بر نیاز دستگاه‌های اجرائی، تأدیه نقدی در بودجه سنواتی، اوراق بهادار قانونی و امتیازات مورد توافق اقدام کند. بنابراین در صدر این ماده، ۵ روش برای بازپرداخت بدهی‌ها مطرح می‌شود که به شرح زیر می‌باشند:

۱. سهام قابل واگذاری دولت در قالب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی و اصلاحات بعدی آن؛
۲. املاک مازاد بر نیاز دستگاه‌های اجرائی؛
۳. تأدیه نقدی در بودجه سنواتی؛
۴. اوراق بهادار قانونی؛
۵. امتیازات مورد توافق.

در کنار این ۵ روش، ضروری است که ۲ شرط نیز رعایت شود. این شروط هم به شرح زیر است:

۱. حتما باید توافقات در بودجه ذکر شده و بر اساس احکام و دستورالعمل‌های بودجه در این خصوص رفتار شود؛

۲. بدهی‌ها باید حسابرسی شده باشند.

بنابراین به نظر می‌رسد که این قانون، کامل‌ترین متنی است که تاکنون برای بازپرداخت بدهی‌های دولت به سازمان تأمین اجتماعی، توسط مجلس، به تصویب رسیده است. اما، همانند همه قوانین پیشین، ضمانت اجرایی ندارد. در واقع همه تهاوت‌ها و واگذاری‌ها به شرط ارادهٔ بدنهٔ اجرایی دولت و موافقت دستگاه‌ها محقق خواهد شد. در اینجا، به درستی و به وضوح، شاهد یک تناقض اساسی هستیم. در واقع، شرط اجرای قانون موافقت و همراهی نهادی است که موجب به وجود آمدن وضع موجود و انباشته شدن بدهی‌ها بوده است. اگر ضرورت پرداخت مطالبات سازمان تأمین اجتماعی درک شده بود، اکنون کشور شاهد این حجم از بدهی‌ها نبود. بنابراین به همان دلیلی که اراده‌ای برای پرداخت مطالبات، حتی مطالبات جاری، وجود ندارد، می‌توان پیش‌بینی کرد اراده‌ای نیز برای اجرای قانون بازپرداخت بدهی‌ها هم وجود نخواهد داشت.

سایر قوانین و مقررات

در این بخش مجموعه قوانین و مقرراتی مورد بررسی قرار می‌گیرد که مشخصاً به موضوع بازپرداخت بدهی‌های دولت به سازمان تأمین اجتماعی پرداخته است و یا در چنین قوانینی، به آنها ارجاع داده شده است. مجموعهٔ این قوانین و مقررات، گام‌های اجرایی و پیچیدگی فرایند بازپرداخت را مشخص می‌نمایند. در ابتدا باید توجه داشت که تقریباً هرآنچه که به موضوع دریافت و پرداخت دولت مربوط باشد، به احتمال زیاد ریشه‌ای در قانون محاسبات عمومی کشور، قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت و قانون مدیریت خدمات کشوری دارد. بنابراین به موادی از این قوانین مادر اشاره خواهیم کرد.

در قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

جمهوری اسلامی ایران و اجراء سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی محدودیتی به تصویب رسیده که حتماً واگذاری‌های دولتی به‌ازای مطالبات سازمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این قانون چنین آمده که مؤسسات عمومی غیردولتی موضوع ماده (۵) قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی آن و شرکت‌های تابعه و وابسته آنها حق مالکیت مستقیم و غیرمستقیم مجموعاً حداکثر تا چهل درصد (۴۰٪) سهم بازار هر کالا و یا خدمت را دارند. در تبصره یک این قانون تأکید شده که تأدیه بدهی‌های دولت به این مؤسسات، نهادها و شرکت‌ها، از طریق واگذاری سهام موضوع این قانون، تنها با رعایت سقف‌های مقرر در این قانون مجاز است. البته این قانون در اصلاح قانون برنامه چهارم توسعه به تصویب رسیده است و به نظر می‌رسد باید برای سال‌های بعد از برنامه چهارم در خصوص آن باید طرح استفساریه تقدیم مجلس شود.

قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۴ به تصویب رسید و در آن دولت موظف شده است ظرف مدت شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، «جدول بدهی‌ها و مطالبات دولت و شرکت‌های دولتی» را تهیه و به کمیسیون‌های اقتصادی و برنامه‌بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی ارائه کند. در بند ب ماده یک این قانون تأکید شده جدول مزبور باید هر سه ماه یک‌بار به‌روزرسانی شده و به کمیسیون‌های مذکور ارائه شود. در بند پ هم دولت موظف شده از سال ۱۳۹۴ به بعد، همزمان با ارائه لایحه بودجه، جدول بدهی‌ها و مطالبات قطعی شده و تعهدات دولت به اشخاص حقوقی، خصوصی و تعاونی و مؤسسات عمومی غیردولتی و بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و تعهدات آنها به دولت را که به تأیید سازمان حسابرسی کشور رسیده است، به مجلس شورای اسلامی ارائه کند. متأسفانه، پیگیری‌های مرتبط به این پروژه موفق به دریافت گزارش‌های مرتبط به سازمان تأمین اجتماعی نشده است. در ماده ۲ این قانون پیش‌بینی شده که دولت بدهی‌های قطعی خود به اشخاص حقیقی و حقوقی تعاونی و خصوصی را که در چارچوب مقررات مربوط تا پایان سال ۱۳۹۲ ایجاد شده، با مطالبات قطعی دولت (وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی) از اشخاص مزبور با استفاده از اوراق تسویه خزانه تسویه کند. بنابراین در این قانون ابزار دیگری برای بازپرداخت مطالبات تعریف شده است. همچنین در ماده ۳ این قانون به امکان استفاده از ابزار صکوک نیز اشاره شده است. بنابراین، این قانون

ظرفیت‌های فراوانی برای بهره‌مندی سازمان و دریافت مطالبات خود از دولت دارد. آیین‌نامه اجرایی ماده (۱) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای مالی کشور بخشی از فرایند اجرایی این قانون را مشخص نموده است.

بر اساس آنچه که در قانون برنامه ششم توسعه تأکید شده است، در تبصره‌های بودجه سال ۱۳۹۷ به موضوع بازپرداخت بدهی‌های دولت پرداخته شده است. بند «و» و بند «ن» تبصره ۵ این قانون به ترتیب به تهاثر بدهی سازمان تأمین اجتماعی به بانک‌ها با بدهی دولت به سازمان و تهاثر با حق امتیازها و حقوق مالکانه و سهام شرکت‌ها پرداخته است.

لازم به ذکر است که مفاد تبصره ۵ چیزی فراتر از ماده ۱۲ قانون برنامه ششم توسعه نیست و استناد به همین ماده هم برای بازپرداخت بدهی‌ها کفایت می‌کند. در متن این ماده چنین آمده است: دولت مکلف است در طول اجرای قانون برنامه در قالب بودجه سنواتی، نسبت به تأیید بدهی حسابرسی شده خود به سازمان تأمین اجتماعی، از محل سهام قابل واگذاری دولت، در قالب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم (۴۴) قانون اساسی و اصلاحات بعدی آن، املاک مازاد بر نیاز دستگاه‌های اجرائی، تأیید نقدی در بودجه سنواتی، اوراق بهادار قانونی و امتیازات مورد توافق اقدام کند. این بند شامل دستگاه‌های زیرنظر مقام معظم رهبری و قوای مقننه و قضائیه و نهادهای عمومی غیردولتی نمی‌شود. باید توجه داشت که استناد به این ماده، منوط به اجرایی شدن بند و تبصره ۵ قانون بودجه سال ۹۷ نیست و تقریباً همه گزینه‌های آن را هم شامل می‌شود.

برای استفاده از تهاثر مطالبات سازمان از دولت با بدهی سازمان به بانک‌ها هم می‌توان از ظرفیت‌های قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور و آیین‌نامه اجرایی ماده (۱) این قانون استفاده کرد. البته چنانچه دامنه بدهی‌های قابل تهاثر سازمان به نهادهای دولتی گسترش یابد، شاید نیاز به مصوبه جدیدی وجود داشته باشد. در ادامه و بر اساس آنچه در قوانین و آیین‌نامه‌های مربوطه آمده به بررسی گام‌های اجرایی برای عملیاتی شدن بند «ن» تبصره ۵ می‌پردازیم.

ضمایات اجرایی	پیش‌بینی نظام اجرایی یا آیین‌نامه در متن قانون	روش‌های بازپرداخت در متن قانون	توجه به موضوع بازپرداخت بدهی‌ها	قانون برنامه اول توسعه
			ندارد	قانون برنامه دوم توسعه
			برای صندوق بازگشتگی دارد ولی برای تأمین اجتماعی ندارد	قانون برنامه سوم توسعه
		به ۳ روش اشاره شده	دارد	قانون برنامه چهارم توسعه
			دارد	قانون برنامه پنجم توسعه
	به بودجه‌های سنواتی موقوف شده		دارد	قانون برنامه ششم توسعه
گزارش عملکرد به مجلس	دارد	به دو روش اشاره شده	دارد	قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور
		به ۴ روش اشاره شده	دارد	بند ن تبصره ۵ قانون بودجه سال ۹۷

△ جدول تطبیقی مقایسه قوانین مختلف در زمینه بازپرداخت بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی مأخذ: یافته‌های پژوهش

▲ گام‌های اجرایی برای عملیاتی‌شدن بند "ن" تبصره ۵ بودجه سال ۱۳۹۷ بر اساس متن قوانین و مقرراتی که در بالا به آنها اشاره شد، برای عملیاتی‌شدن بند ن تبصره ۵، حداقل، مراحل زیر باید طی شود:

- ۱- تدوین آیین‌نامه اجرایی بند «ن» تبصره ۵ قانون بودجه سال ۱۳۹۷؛
- ۲- قطعی‌شدن و حسابرسی‌شدن مطالبات سازمان و بدهی‌های دولت (ماده ۱۲ قانون برنامه ششم و قانون رفع موانع تولید)؛
- ۳- اجراشدن جزء (۱- ۲) بند و تبصره ۵ قانون بودجه سال ۱۳۹۷ (متن بند ن)؛
- ۴- ارائه درخواست متقاضیان تهاتر به وزارت امور اقتصادی و دارایی برای بدهی‌های قطعی‌شده تا پایان سال ۱۳۹۵ (جزء ۱ بند و)؛
- ۵- مشخص‌شدن میزان بدهی به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی (جزء ۱ بند و)؛
- ۶- تعیین و تدوین نمونه کاربرگ فرم‌ها و روش صدور اسناد (اوراق) خزانه نوع اول و نوع دوم توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی (ماده ۳ آیین‌نامه بند و)؛
- ۷- تهیه و تنظیم و ارسال فرم‌ها و مدارک مورد نیاز به وزارت امور اقتصادی و دارایی توسط سازمان؛
- ۸- اجرای مراحل اداری و ارائه اطلاعات و مستندات وفق بخشنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی موضوع قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور و آیین‌نامه اجرایی ماده (۱) این قانون؛
- ۹- صدور اسناد تسویه خزانه نوع دوم توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی (ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی بند و تبصره ۵)؛
- ۱۰- ابلاغ اعتبار و صدور تخصیص بابت بدهی‌های تسویه شده توسط سازمان برنامه‌وبودجه (تبصره ۲ ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی بند و تبصره ۵)؛
- ۱۱- اجرای مراحل اداری و ارائه اطلاعات و مستندات وفق بخشنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی موضوع آیین‌نامه اجرایی بند ن تبصره ۵ قانون بودجه سال ۱۳۹۷ (در صورت تدوین)؛

۱۲- بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی سازمان خصوصی‌سازی (احتمالاً به خاطر واگذاری‌ها).

همانگونه که مشخص است، منوط‌شدن اجرای بند «ن» به اجرای جزء (۱- ۲) بند و تبصره ۵ قانون بودجه سال ۱۳۹۷ موجب طولانی‌شدن و پیچیده‌شدن فرایند بهره‌مندی از مفاد بند «ن» تبصره ۵ شده است. در حالی که با توجه به حجم بالای بدهی‌های دولت به سازمان تأمین اجتماعی، این دو بند هم‌زمان می‌توانست فعال شود. این در حالی است که تکلیف نحوه واگذاری‌ها و روش‌های قیمت‌گذاری و چگونگی همکاری دستگاه‌های دولتی با سازمان تأمین اجتماعی در این خصوص مشخص نیست و احتمالاً منوط به آیین‌نامه‌ای است که هنوز تدوین نشده است. باید توجه داشت که دولت برای پرداخت بدهی‌های خود نیاز به چنین قانون‌هایی ندارد. هر زمانی که اراده‌ای برای بازپرداخت داشته باشد و ضرورت این کار درک شود، می‌تواند بدهی‌ها را تسویه کند. با این وجود قوانین موجود هم تقریباً دست دولت را برای شیوه‌های مختلف بازپرداخت باز گذاشته است. در این میان، ضمانت اجرایی قوانین محل اشکال است. در واقع نهادی باید به این قوانین عمل کند یا اموال، دارایی‌ها و حقوق خود را واگذار نماید که خودش، در زمان مقرر، حقوق قانونی و تعهداتی را که به عهده گرفته پرداخت نکرده و نمی‌کند. بنابراین، به‌راحتی، می‌تواند این قوانین را هم اجرا نکند. بنابراین پیشنهاد می‌شود که در این زمینه از ظرفیت‌های ماده ۵۰ قانون تأمین اجتماعی استفاده شود. بر اساس این ماده قانونی، مطالبات سازمان بابت حق بیمه و خسارات تأخیر و جریمه‌های نقدی که ناشی از اجرای این قانون یا قوانین سابق بیمه‌های اجتماعی و قانون بیمه‌های اجتماعی روستاییان باشد، در حکم مطالبات مستند به استناد لازم‌الاجراء بوده و طبق مقررات مربوط به اجرای مفاد اسناد رسمی به وسیله مأمورین اجرای سازمان قابل وصول می‌باشد. در واقع استناد این ماده قانونی می‌تواند ضمانت اجرایی لازم برای بازپرداخت بدهی‌های سازمان را تأمین کند.

فصل سوم: نکات حاصل از مصاحبه

خلاصه مصاحبه‌ها^۱

در این قسمت، خلاصه‌ای از مهمترین عناوین مورد اشاره، توسط مصاحبه‌شوندگان به صورت گزیده مورد اشاره قرار می‌گیرد. در انتها نیز بر اساس سوالات اولیه، جدولی ارائه می‌شود که برآیند نظر مصاحبه‌شوندگان در آن منعکس شده است. لازم به ذکر است که تمامی مصاحبه‌شوندگان جزو افرادی هستند که سال‌ها به واسطه موقعیت حساس شغلی خود درگیر این مسئله و ابعاد مختلف آن بوده‌اند به همین دلیل طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل تجربه زیسته این افراد می‌تواند حاوی درس‌های ارزشمندی برای برنامه‌ریزی در زمینه وصول مطالبات سازمان تامین اجتماعی از دولت باشد.

مباحث محوری اشاره شده در گفتگوهای صورت گرفته عبارتند از:

- تهدیدهای سازمان تامین اجتماعی؛
- ارزیابی انجام‌پذیری بند «و» و «ن»؛
- شاخص‌های واگذاری صحیح؛
- آسیب‌شناسی واگذاری‌ها؛
- برندپذیری و commodity؛
- کاهش تصدی‌گری.

۱- کلیه مصاحبه‌ها در سال ۹۷ انجام شده است.

مصاحبه شونده اول

● وضعیت بدهی دولت به سازمان‌های بیمه‌گر، ریشه‌های تاریخی دارد لذا سازمان تأمین اجتماعی، یک فرد یا یک بند و تبصره از عهده رفع آن بر نمی‌آید. بنابراین تمام ذینفعان سازمان تأمین اجتماعی و مدیریت سازمان باید بدانند که با یک بدهکار پر قدرت روبه‌رو هستند. اکنون باید با این پیش فرض رویکرد خود را نسبت به او انتخاب کنند. بنابراین در این شرایط، "اولین - بهترین" وجود ندارد و باید به دنبال دومین - بهترین بود.

● بهترین گزینه، پرداخت نقدی است که امکان‌پذیر نیست و دولت هرگز هم چنین گزینه‌ای جلوی روی سازمان تأمین اجتماعی نخواهند گذاشت.

● سازمان در مواجهه با یک نهاد پر قدرت، قرار دارد و باید تعاملاتی انجام دهد. در این شرایط و مختصات که باید دید چکار می‌توان کرد که به نفع سازمان باشد. شاید بهتر باشد که هرآنچه دولت پیشنهاد می‌دهد را بپذیرد اما دست کم قدری راجع به قیمت‌گذاری آن چانه‌زنی کند.

● دولت ملک‌های دارد که می‌تواند به سازمان بدهد. گاهی هم دولت می‌تواند امتیازهایی را در اختیار سازمان قرار دهد؛ مثلاً امتیازهای خاصی در حوزه IT را به سازمان بسپارد؛ اگر امتیازات نشد، به دنبال نیازهای شستا باید رفت.

● شستا تا حد زیادی می‌تواند به سازمان کمک کند که بسته پیشنهادی با چه مشخصات و ویژگی‌هایی را مطالبه کند.

● در پتروشیمی و نفت، همیشه، رانت وجود داشته و خواهد داشت. اکنون همه خواستارند که از آن رانت استفاده کنند. اگر آن رانت را به سازمان تأمین اجتماعی بسپارند در واقع آن را به یک «شبه ملت» ۴۰ میلیون نفری شیف‌ت داده‌اند. در نتیجه، بهتر است اول به سراغ خانواده پتروشیمی رفت، چون زودتر از هر چیزی قابل نقد شدن است. اگر سازمان بخواهد آن را نگه دارد، سود خوبی می‌دهد. اگر نخواهد، نقدشوندگی دارد.

● اگر بنا باشد سازمان یک دارایی فیزیکی مثل کارخانه را قبول کند، باید امتیازات را ترجیح دهد. اگر حق انتخاب بین چند کارخانه داشته باشد، آن را انتخاب کند که زودتر بتواند بفروشد و بعد هم کارخانه‌ای که زنجیره ارزش را (بر اساس صنایع

بالادستی و پایین‌دستی) تکمیل کند.

● در بین گزینه‌های احتمالی، سازمان ابتدا باید پول دریافت کند، بعد امتیازات، و بعد می‌تواند به سراغ دارایی‌های فیزیکی {دولت} مثل کارخانه‌های سر به راه و نقد برود. این کارخانه‌ها را از یک دست بگیرد و از دست دیگر بفروشد که در واقع این می‌شود سومین راه. وقتی دارایی فیزیکی وجود نداشته باشد، شستا می‌تواند انتخاب کند که کدام صنایع پسینی و پیشینی قادر به تکمیل حلقه‌های مفقودهٔ او هستند. بعد باید به سراغ زمین و مستغلات برود.

● دولت دارایی‌های خوبی در خارج از کشور ندارد که بخواهد به تأمین اجتماعی بدهد. تاکنون دولت هر اقدامی در خارج از ایران انجام داده است با اهداف سیاسی بوده و دنبال فعالیت اقتصادی نبوده است.

● سازمان بیمه‌گر نباید این همه نهاد صنعتی و بنگاه به دور خود جمع کند. هنوز بعضی از مشکلات تاریخی صنایع ما روی زمین مانده و نتوانسته‌ایم حل کنیم. سازمان بیمه‌گر هرگز قادر به ادارهٔ صنعت نیست. سازمان چنین فرهنگی ندارد. این شرکت‌های موجود نیز با مجموعه‌ای از مناسبات رانتی به سازمان آمد و یک سری مناسبات رانتی هم در سازمان شکل گرفت.

● در مورد تبصره نیز بهتر است پیگیری‌هایی انجام شود و جای پا گذشته شود، ولی بیشترین انرژی باید صرف آن قسمت شود تا تصمیم‌هایی که گرفته می‌شود عملیاتی شود.

● قانون دائمی وجود دارد. قانون دائمی می‌گوید: «دولت هر جا بدهکار است باید بدهی خود را بدهد». نیازی به قانون فراتر نیست؛ اگر بخواهند بدهی خود را پرداخت کنند، قانون هست. از ابتدای تاریخ، قانون بنیادین، همین بوده که «هرکس بدهکار است باید بدهی خود را بدهد». اگر کسی زورگو باشد و طلبکار را بزند، با تصویب قانون هم مشکلی حل نمی‌شود. بنابراین، نوشتن این تبصره‌ها فقط یادآوری بدهی دولت است.

مصاحبه شونده دوم

■ برای هر سرمایه‌گذاری یک متغیر خیلی مهم دیگری به غیر از بازده و ریسک مطرح است، که نقدشوندگی است. سازمان در انتخاب باید به نقدشونده‌ترین

گزینه‌ها دسترسی پیدا کند.

■ بالاخره انتظاراتی از شستا وجود دارد. این انتظارات اتفاقاً تابع همان متغیرهای سرمایه‌گذاری است. یعنی بازده، ریسک، نقدشوندگی و زمان‌های دریافت سود. یعنی شستا نمی‌تواند بگوید که من با متغیرهای دیگر کاری ندارم.

■ بیشترین بازدهی که می‌توان کسب کرد، علاوه بر اینکه تابع ریسک مورد انتظار هست، تابع نقدشوندگی مورد انتظار هم هست. در زمان گذشته چون نقدشوندگی اصلاً مطرح نبود، زمان‌های دریافت سود اصلاً در بودجه‌ریزی برای سازمان تامین اجتماعی اهمیت نداشت و راحت بود. ولی اکنون قضیه تفاوت کرده است.

■ سازمان باید مدل سرمایه‌گذاری‌اش را تعریف کند. ولی باید توجه شود که انتقال از یک مدل سرمایه‌گذاری مبتنی بر کسب بالاترین بازده، با قبول ریسک معقول، بدون توجه به نقدشوندگی و زمان‌های دریافت سود، به مدلی که در آن نقدشوندگی و زمان‌های دریافت سود خیلی اهمیت دارد، حداقل به سه سال زمان نیاز دارد. یعنی نمی‌توان توقع داشت که امروز که برنامه ارائه شد، به شستا اعلام شود که همین امروز سرمایه‌گذاری‌هایش را نقدشونده کند. به همین ترتیب امروز گفت آخرسال پول بدهید تا مستمری بازنشستگی پرداخت شود.

■ نیکسون به خروشچف می‌گوید که جناب دبیرکل، شما در توسعه تکنولوژی، فقط به عواملی که معطوف به قدرت دولت و حاکمیت است، توجه دارید. در صورتی که سیستم ما، هم به این توجه دارد و هم به رفاه مردم. ما می‌مانیم و شما نمی‌مانید و همین اتفاق افتاد. بنابراین بهتر است ما هم در شرایط موجود، حداقل بیاییم از توسعه تکنولوژی معطوف به رفاه مردم، به شدت، حمایت کنیم که با یک اقدام پژوهی، صنعت اتومبیل ما نخواست. و یا با یک حرکت سامسونگ و ال‌جی لوازم خانگی ما در ایران متوقف نشود.

■ به غیر از سه کشور مقدم، شامل آمریکا و فرانسه و انگلستان، هیچ کشوری بدون برنامه دولت، یعنی نگاه درست از سوی دولت به صنعت، به توسعه نرسیده است.

■ در حقیقت، مسئله این است که با شرایط کنونی سازمان، اولویت اول پول

است، آن هم پول نقد. البته پول نقد تصعید شده. دوم، هرچه ما به نقدشوندگی نزدیک‌تر باشیم، برای سازمان مطلوبیت بیشتری دارد. حالا در این چارچوب یک مقوله مهم، نرخ‌گذاری است که بدین ترتیب پیداکردن ضریب تصعید مسئله اساسی می‌شود.

■ اگر قرار است سازمان بنگاهی تحویل بگیرد، بنگاه باید یکی از این دو حالت را داشته باشد؛ یا به دلیل محدودیت‌های دولتی برای بنگاه‌های دولتی، در حال حاضر در حال ضرردادن است، ولی با برداشت آن محدودیت‌ها قابلیت سوددهی پیدا می‌کند؛ یا باید سودده باشد. یعنی سازمان بنگاهی را می‌گیرد که قابلیت سودده‌کردن داشته باشد. یا همین حالا سودده باشد و این سود تداوم داشته باشد. نه اینکه هر چیزی را بدهند که مثلاً طول عمر تکنولوژی‌اش تمام شده باشد یا طول عمر محصولش تمام شده باشد.

مصاحبه شونده سوم

● راجع به بند (ن)، پشت سر هم آمدن واژه‌های مختلف بار معنایی مشخصی ندارد. عبارت «حق امتیاز» برای اولین بار مطرح شده است و سال گذشته نبود. تا رسیدن به «حق امتیاز» راه زیادی در پیش است. تقسیم‌کردن آن و وارد شرکت‌ها شدن، بسیار سخت است. به نظر نمی‌رسد حتی در سال ۹۸ هم بتوان با حق امتیاز، انرژی و خوراک، مطالبات سازمان را وصول کرد چراکه کار زیادی می‌طلبد.

● در بند (ن) باید به سراغ مواردی رفت که سازمان تجربه موفق در آنها داشته‌است. منظور مواردی است که قبلاً انجام گرفته و رضایت هر دو طرف حاصل شده است؛ در این صورت، می‌توان به یک خرد جمعی دست یافت؛ یعنی «پروژه‌های سرمایه‌گذاری». نمونه‌های زیادی از این دست را می‌توان مشاهده کرد؛ مواردی چون «پتروشیمی امیرکبیر»، «شرکت خارک» و سایر شرکت‌هایی که واگذار شده‌اند. مثال‌های دیگری هم هست، مثل «شرکت کشتیرانی»، «نفت کش جمهوری اسلامی»، «اصفهان»، «اراک»، «خارک»، شرکت‌های پتروشیمی، واگذاری ۳۵ شرکتی که به سازمان صنایع ملی تعلق داشتند و در حال تعطیل شدن بودند، یا «۵۳ شرکت» و سایر تجربیات موفق.

● وقتی خوراک (گاز و برق) ارزان در اختیار شرکت قرار می‌دهید، باید مراقب بود که موجب رقابت غیرمنصفانه یا کاهش بهره‌وری نشد. در این موارد باید به

پیامدهای ناخواسته منفی توجه داشت.

● اگر یک کار ویژه برای موضوع اجرایی کردن بند ن تبصره ۵ تشکیل شود و نمایندگان شستا و معاونت اقتصادی سازمان، به طور هماهنگ، در آن کار ویژه همکاری نمایند، امکان دارد که ظرف یک سال به نتایجی دست یابند.

● باید مراقب بود که در فرایند واگذاری‌ها، مشکلات دولت هم واگذار نشود. به عنوان مثال "ذوب آهن" و "سنگ آهن مرکزی" و "دخانیات" و "شرکت کربن ایران"، واگذاری و خصوصی‌سازی مشکلات دولت بود.

● تجزیه و تحلیل دوره عمر تکنولوژی هم مهم است. باید در واگذاری‌ها به آن هم توجه داشت. بر این اساس، برخی صنایع نمی‌توانند سودده شوند.

● صنایع مختلف، به لحاظ ماهیتی با هم متفاوت هستند. تجزیه و تحلیل دوره عمر و تحلیل حساسیت در صنایع مختلف متغیر است. باید به این هم توجه داشت که محصولی که شرکت تولید می‌کند، برند پذیر هست یا نه.

● معنای دیگر کاهش تصدی‌گری بیمه‌ها و صندوق‌های بازنشستگی، واگذاری اختیار تقسیم سود به سایر سهامداران است.

● سازمان نیاز به درآمدهای مستمر دارد تا بتواند هزینه‌های مستمر را پوشش دهد.

● پتروشیمی فناوران یا شرکت‌های ایران‌گاز و پرسی‌گاز از تجربیات موفق هستند. این نمونه، یک خاطره خوب از کوچک‌سازی بوده که شایسته است مکتوب شود.

● اسناد خزانه یکی از راه‌هاست. تهاتر هم کارساز است.

● برای واگذاری‌ها باید دقت شود که شرکت‌های بورسی باشند و ثانیاً دولت باید سهمی از آن داشته باشد. به عنوان مثال «ملی مس» که این ویژگی‌ها را دارد. «سنگ آهن» و محصولات سنگ آهن و وابستگان «ایمیدرو» نیز مناسب هستند. معادن مس، پلی‌متال‌ها و امثال آن تا جایی که در دست دولت باشند برای سازمان نیز مناسب است. بعضی از این شرکت‌ها واگذار شده‌اند یا سهامدار بخش خصوصی دارند و به سازمان مربوط نمی‌شوند. در حوزه‌های «اولفین‌ها، متانول و اوره» در صنایع پتروشیمی (سودآوری مناسبی دیده می‌شود) باید مقیاس

مناسبتی داشته باشد؛ مقیاس کوچک به کار نمی‌آید. شرکت‌های کوچک که پر از مشکلات کارگری هستند برای سازمان کارایی ندارد. مثلاً «سنگ آهن» مرکزی مناسب نیست.

مصاحبه شونده چهارم

● پذیرش برخی پروژه‌ها به صلاح سازمان نیست. پروژه‌های نیمه‌تمام، در دولت، معنی خودش را دارد؛ دولت طرح‌های سودآور و خاص را به این شکل واگذار نمی‌کند اگر زمانی هم قصد واگذاری داشته باشد، این هدف را در قالب خصوصی‌سازی که مسائل خود را دارد دنبال می‌کند. بنابراین ورود سازمان به چنین پروژه‌های نیمه‌تمام و بلا تکلیفی، به صلاحش نیست.

● عده‌ای در سازمان تأمین اجتماعی به این فکر افتاده بودند که بخشی از زمین‌های منطقه مکران را بگیرند که چنین چیزی یک سراب است؛ آن منطقه هزاران صاحب دارد و بلا تکلیف است. بنابراین هدف‌گذاری سازمان، به هیچ وجه، نباید چنین مواردی را شامل شود و سازمان صرفاً باید دنبال اموال روشن، معلوم، دارای چارچوب مشخص و یا مواردی که به دلیل سوءمدیریت دچار زیان‌دهی شده است و اطمینان دارد با اعمال مدیریت صحیح، می‌توان آن‌ها را به سودآوری رساند، باشد.

● اگر در پرتفوی صندوق‌ها درآمدهای مستمر لحاظ شود، برای صندوق تا حدودی مناسب است.

● سیستم‌های مخابراتی، سیستم‌های آی.تی. (IT) یا آی.تی.سی. (ITC) که همواره در حال فعالیت هستند، پرتفوی خوبی برای صندوق‌های بازنشستگی است. بنابراین از این منظر این مسئله قابل تأمل می‌باشد.

● این تبصره، برای سال آینده، باید اصلاحاتی داشته باشد. امسال باید بررسی‌های متعدد انجام شود، محاسباتی صورت گیرد و حتی وارد مذاکره با شرکت نفت شوند که ممکن است شرکت نفت اساساً تمایلی به این مسئله نداشته باشد.

● وجود راهکارهای اجرایی ضروری و به صورت مستقیم در اعمال قوانین بازپرداخت بدهی‌های دولت به بیمه‌ها مؤثر است.

● در این شرایط، بهترین کار می‌تواند اجرایی‌نمودن این تبصره در سال جاری به

- واسطهٔ برگزاری جلساتی با وزیر و ارائهٔ راهکارها به دولت و تصویب آنها باشد.
- در گذشته، راه حلی برای اجرای قوانین وجود داشت. بدین شکل که راهکار قانون به تصویب هیئت وزیران رسانده می‌شد و سازمان نیز عضو کارویژهٔ مربوطه بود و هر موردی را که تصویب می‌کرد، دولت ابلاغ می‌کرد.
 - اینکه مدیرعامل خارج از هیئت‌مدیره باشد برای سازمانی که اگر مقداری متمرکزتر از نظر مدیریت عمل کند، کارآمدی بیشتری خواهد داشت، بسیار نقص بزرگی است.
 - اشکال بزرگی که در زمینهٔ بازپرداخت بدهی دولت به بیمه‌ها وجود دارد، تغییر دولت‌ها و تغییرات سیاست آنها در این زمینه است. مثلاً دولت فعلی خیلی راغب نبوده که واحدهای صنعتی را به سازمان تأمین اجتماعی بدهند.
 - طرح‌های نیمه‌تمام به‌درد سازمان نمی‌خورد و در خیلی از موارد، منفعت مالی ندارد و اساساً شرکت بازرگانی نیستند و اغلب فقط منافع اجتماعی دارند مانند راه، مترو و ... که برای تأمین اجتماعی مناسب نیستند. باید توجه داشت که سرمایه‌گذاری سازمان یک امر صددرصد بازرگانی برای سودآوری است و هیچ هدف دیگری نباید دنبال شود.
 - لازمهٔ تعهد برای پرداخت بدهی توسط دولت، تلاش برای امر بوجه است که حتماً باید از طرف دولت و به شکل لایحه مطرح شود و اگر طرح مجلس باشد، چندان نتیجه‌بخش نخواهد بود.
 - انتصابات در سازمان تأمین اجتماعی و شستا عمدتاً به گونه‌ای است که از بین‌برنده سرمایه‌ها است یعنی یک سازمان حرفه‌ای را تبدیل به یک سازمان خدماتی برای خدمت‌رسانی به محافل سیاسی و اجتماعی می‌کند؛ این یک خطای بزرگ و یک فساد عینی است. باید با این فساد مبارزه کرد و شستا را دوباره از میان این مسائل بازبایی کرد.
 - اول روی کارآمدن افراد حرفه‌ای و دوم اصلاح اساسنامهٔ سازمان تأمین اجتماعی که خلاف قانون است، قطعاً مؤثر واقع خواهد شد. این اساسنامه را آقای وزیر باید به دولت ببرد و علیه منافع و دخالت‌های خودش، تغییراتی اعمال شود که

دخالت‌ها در سازمان و شستا به حداقل برسد.

● پرتفوی صندوق‌های بیمه، باید به شکلی پر شود که منافع مستمر داشته باشد و آی‌تی و آی‌سی‌تی (شرکت‌های مخابراتی) از این موارد هستند.

● شما وقتی وارد یک صنعت شدید، باید زنجیره ارزش آن را کامل کنید و کامل کردن این زنجیره ارزش مطلوبیت بیشتری ایجاد می‌کند و یکی از اصول سیستم‌های سرمایه‌گذاری است. مثلاً صنایع هوایی بسیار گزینه خوبی است، اما نه برای حال حاضر، بلکه زمانی که شرایط کشور ما باثبات شود.

مصاحبه شونده پنجم

● دولت باید این موضوع را درک کند که نظام‌های بازنشستگی مبتنی بر یک موضوع پیچیده علمی است که مسائل پیچیده کشور را نیز حل می‌کند؛ نظام بازنشستگی مبتنی بر انباشت سرمایه و انباشت پس‌انداز است و این چیزی است که در هیچ دولتی، دریافت خوبی از آن اتفاق نیفتاد.

● نسبت GDP ما به (Asset) دارایی صندوق‌های مان، در ایران، بر اساس برآوردها، در بهترین حالت، حدود ده درصد است و این نشان‌دهنده فقر و پایین بودن پس‌انداز مردم و محدود بودن سرمایه‌گذاری و اشتغال است. تا دولت‌ها، این موضوع را به درستی درک نکنند، اصلاً به حل آن اهمیتی نخواهند داد.

● نهضت سرمایه‌گذاری صندوق‌های بازنشستگی، از شستا شروع شد.

● صندوق‌های بازنشستگی در سایر کشورهای دنیا، محل انباشت پس‌انداز و انباشت سرمایه است و همچنین، انباشت سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال و بعد از آن، مجدداً، نوبت انباشت پس‌انداز و سپس دوباره انباشت سرمایه است و سرمایه‌گذاری و به همین ترتیب ادامه پیدا می‌کند که کاملاً یک چرخه تلقی می‌شود. بنابراین، قدم اول این است که شما اگر بتوانید دولت‌مردان و نظام تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی از جمله، سازمان برنامه‌ریزی و وزارت دارایی و همه دولت را متقاعد کنید که اگر به دنبال اشتغال‌زایی و عدالت اجتماعی هستند، و اگر نظام به دنبال امنیت و غیره است، تمام این اهداف، از مسیر فوق می‌گذرد.

● مصوبات مجلس، طی این سی سال، تماماً، ضد نظام تأمین اجتماعی و بدون درنظر گرفتن ویژگی‌های آن بوده است؛ بازنشستگی‌های زودتر از موعد، بازنشستگی‌های سخت و زیان‌آور، اصلاح ساختار نیروی انسانی، و همچنین مصوبه‌ای که اخیراً به این موضوع پرداخته که بازنشستگان، شاغل نباشند که به تمام معنا، این مصوبه اشتباه و ضد صندوق بازنشستگی تأمین اجتماعی است. در کجای دنیا در چهل، پنجاه یا حتی در شصت سالگی شخص باید بازنشسته شود، در حالی که امید به زندگی هشتاد الی هشتاد و پنج سال است؛ یعنی فرد به‌خاطر پرداخت بیست و پنج سال کسور، چهل سال حق بیمه بازنشستگی دریافت می‌کند در حالی که باید برعکس باشد.

● اساس مشکلی که مورد بحث ما است، نوع نگاه دولت و مجلس و در واقع حاکمیت کشور است که باید درک کند نظام تأمین اجتماعی مساوی با کل کشور است، نه صرفاً یک سازمان.

● با نگاه موجودی که حاکمیت، به مجموعه نظام تأمین اجتماعی دارد، اصلاً مسئله پرداخت بدهی‌ها با تصویب یک تبصره حل نمی‌شود. دولت اصلاً اعتقاد و باوری به این موضوع ندارد و تمام نگاهش، نگاه روزانه است و در مجلس نیز همین سیاست دنبال می‌شود که مشکل عمده به‌طور موقت حل شود و پیروی از راهکار واقعی به فردا موکول شود، همانند قانون بازنشستگی زودتر از موعد و یا اصلاح ساختار نیروی انسانی که گمان می‌کردند مشکلات را حل می‌کند.

● نظام تأمین اجتماعی موضوعی جدا از سازمان تأمین اجتماعی است. درحالی‌که، خیلی از مسئولین، هر زمان، صحبت از نظام تأمین اجتماعی می‌شود، نگاهشان به خیابان آزادی و ساختمان تأمین اجتماعی است و بلافاصله مشکلاتی که هر سازمانی در درون خود ممکن است گرفتار آن باشد، جلوی چشم مسئولین مجسم می‌شود.

● در نظام تصمیم‌گیری کشور، زمانی که موضوع دادن اموال در ازای بدهی به صندوق‌های بازنشستگی و تأمین اجتماعی مطرح می‌شود، این تصویر برایش مجسم می‌شود که تأمین اجتماعی عملکرد بدی داشته و شرکت‌هایش زیان‌ده است و غیره و دیگر کسی در نظر نمی‌گیرد، در تأمین اجتماعی ده‌ها شرکت نیز با بهره‌وری خیلی خوب وجود دارد.

● فروش شرکت‌ها، به این معنا که صندوق‌های بازنشستگی و نظام تأمین اجتماعی نباید دارایی داشته باشد، نیست. بلکه به معنای کنار گذاشتن تصدی‌گری است که باید از بین برود. در هر جای دنیا که صندوق‌های بازنشستگی و نظام تأمین اجتماعی‌شان دارایی دارند، این دارایی را خودشان اداره نمی‌کنند. ما، باید واحدها را واگذار کنیم و منابعش را خرج جاری نکرده و دوباره سرمایه‌گذاری نماییم. با این کار، مقاومت‌هایی نیز که در بدنه دولت، در مقابل واگذاری‌ها می‌شود، کنار گذاشته خواهد شد.

● در مجموعه نظام حاکمیتی کشور، هیچ‌کس، این باور را ندارد که اگر بدهی را به سازمان تأمین اجتماعی بپردازد، منجر به اداره بهتر خواهد شد. ما باید این مسئله را در نظام تأمین اجتماعی حل کنیم.

● اینکه چه زمانی سازمان تصمیم به واگذاری بگیرد، نکته بسیار حائز اهمیت است؛ از جمله نمونه‌هایی که با عدم واگذاری به موقع از دست رفت، پارس الکتریک بود که مانند طلا بود و آن را بی‌ارزش کردند.

● یکی از روش‌های پرداخت بدهی‌ها، غیر از تهاتر، این است که دولت بر روی دارایی‌هایش اوراق صکوک منتشر نماید. باز هم نکته مهم، رسیدن به درک این مسئله است که بازپرداخت بدهی تا چه میزان ضرورت دارد. حتی دولت می‌تواند این را شرط نماید که تمام این منابع، صرف طرح‌های عمرانی سودآور کشور شود.

● بحث حقوق مالکانه بعید به نظر می‌رسد که عملی باشد؛ چنین چیزی مانند امتیاز رایتل خواهد شد که با سه الی چهار هزار میلیارد تومان به شرکتی زیان‌ده تبدیل شده است. این امتیازات را هم باید مراقبت کرد و واحدهایی واگذار نشود که نتوانند از آن نگهداری به عمل بیاورند و حاصل آن رایتل شود. بحث دیگر، مسئله بهره‌برداری از آن است که جای نگرانی است که اگر حقوق مالکانه را به همراه بهره‌برداری بدهند، بازهم تصدی‌گری‌ها شکل می‌گیرد.

● در، موضوع نفت و گاز مصادیق بسیار زیاد است، چرا که، در مسائل دیگر، ما حقوق مالکانه نمی‌فروشیم. همچنین، در خصوص معادن نیز این امتیازات قابل تصور است. البته به نظر نمی‌رسد در موضوع معادن هم خیلی جای کار داشته باشد مگر اینکه معادن جدیدی کشف شود.

● اگر امتیاز بهره‌برداری از منطقهٔ مکران را در مقابل پرداخت مبلغی اعطا کنند، تأمین اجتماعی این مناطق را برای چه کاری می‌خواهد؟! اینکه به یک کشور خارجی برای فرودگاه، بنادر و غیره واگذار می‌کنند، متفاوت است. اگر دست تأمین اجتماعی باشد، وضعی بسیار بدتر از امروز پیدا خواهد کرد. این مسائل، تفکر افرادی است که به نظر می‌رسد ذهنیت درستی از قضایا ندارند.

● در دوران دولت کنونی اوضاع به مراتب بدتر بوده است. با کمال تأسف، در دوران این دولت، بلایی که بر سر شستا آمده است کم‌تر از بلایی نیست که در دوران دولت قبل آمد. چرا که در دوران شش‌سالهٔ اول این دولت، شستا شاید پنج - شش مدیر عوض کرده باشد. این، برای بنگاهی اقتصادی به آن عظمت فاجعه است.

یافته‌های مصاحبه‌ها	محورهای گفتگو
به طور عمده بدهی‌های دولت با واگذاری شرکت‌ها تهاتر شده است. اما در برخی مواقع و در مقیاس کوچک روش‌های دیگری هم استفاده شده است.	به غیر از تهاتر با شرکت‌ها آیا روش‌های دیگری برای بازپرداخت بدهی‌های دولت به سازمان‌های بیمه‌گر وجود داشته است؟
شرکت‌های زیان‌ده، قراردادهای نامناسب واگذاری، عدم اجازه دخل و تصرف در امور شرکت به خصوص در نیروی انسانی، قیمت‌گذاری ناعادلانه، اشتباهات مدیریتی در داخل شستا.	آسیب‌شناسی شرکت‌های واگذار شده در تهاترهای پیشین شامل چه مواردی است؟
به‌سختی می‌توان آن را در یک سال عملیاتی نمود. ولی به هر صورت اگر اندک پیشرفتی هم حاصل شود خوب است. اما باید مستمر باشد.	قابل اجرا بودن و نحوه اجرای مفاد بند «ن» تبصره ۵؛
باید بر اساس مدل سرمایه‌گذاری سازمان و تکمیل زنجیره ارزش شستا باشد ولی حوزه معادن، آی‌تی و آی‌سی‌تی، مس و پتروشیمی‌ها هم مناسب هستند.	مصادیق برگرفته از مفاد بند «ن» تبصره ۵ و اولویت‌های سازمان در این خصوص چیست؟
قراردادهای واگذاری و پیوندهای پسین و پیشین میان صنایع، سودده بودن شرکت‌ها و قابلیت نقدشوندگی آنها.	الزامات مورد توجه سازمان چه باید باشد؟
نیاز به قانون جدید احساس نمی‌شود، ولی باید ضرورت‌های بازپرداخت بدهی دولت به صندوق‌های بیمه‌ای برای بدنه دولت تشریح شود و فهم لازم در آنجا صورت گیرد. رئیس جمهور و وزرا باید به درک مناسبی از ضرورت‌های بیمه‌های اجتماعی برسند.	امکان‌سنجی قانون دائمی برای بازپرداخت دیون و جلوگیری از ایجاد بدهی جدید

△ جدول تطبیق یافته‌های مصاحبه‌ها با محورهای گفت‌وگو

مأخذ: یافته‌های پژوهش

فصل چهارم: جمع‌بندی، نتایج تحقیق و پیشنهادات

مقدمه

در این بخش، بر اساس آنچه که مبنای این مطالعات بوده و از اهداف انجام مطالعه است، ابتدا خلاصه‌ای تیتروار از مستندات قانونی اجرای بند ن تبصره ۵ بودجه سال ۱۳۹۷ ارائه می‌شود. به استناد آن، در مرحله بعد، گام‌های اجرایی برای عملیاتی‌شدن بند ن تبصره ۵ بودجه سال ۱۳۹۷ برشمرده خواهد شد. در ادامه جمع‌بندی پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان به پرسش‌ها ارائه خواهد گردید و به دنبال آن و مستند به مصاحبه‌های انجام شده، پیشنهادات اجرایی آمده است. در انتها هم پیشنهادهایی برای پژوهش‌های تکمیلی ارائه شده است.

مستندات قانونی برای اجرای بند ن تبصره ۵ بودجه سال ۱۳۹۷

بر اساس مفاد قانون و ارجاعاتی که در آن به سایر قوانین داده شده، برای عملیاتی‌شدن مفاد بند ن تبصره ۵ قانون بودجه سال ۱۳۹۷، قوانین و مقررات زیر باید رعایت شوند:

- ۱- ماده ۱۲ قانون برنامه ششم توسعه (متن بند ن)؛
- ۲- قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی (متن بند ن)؛

- ۳- جزء (۱- ۲) بند (و) تبصره ۵ قانون بودجه سال ۱۳۹۷ (متن بند ن)؛
- ۴- آیین‌نامه اجرایی بند (و) و جزء‌های (۳) و (۴) بند (و) تبصره (۵) قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور (جزء ۸ بند و تبصره ۵ قانون بودجه سال ۱۳۹۷)؛
- ۵- ماده ۱۹ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب سال ۱۳۶۶ (آیین‌نامه اجرایی بند و)؛
- ۶- ماده ۲۰ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب سال ۱۳۶۶ (آیین‌نامه اجرایی بند و)؛
- ۷- قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور (بند پ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی بند و)؛
- ۸- آیین‌نامه اجرایی ماده (۱) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور (ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی بند و)؛
- ۹- ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ (تبصره ۲ ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی بند و)؛
- ۱۰- بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی موضوع آیین‌نامه اجرایی ماده (۱) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور؛
- ۱۱- آیین‌نامه اجرایی بند ن تبصره ۵ قانون بودجه سال ۱۳۹۷ (در صورت تدوین).
- لازم به ذکر است که مفاد تبصره ۵ چیزی فراتر از ماده ۱۲ قانون برنامه ششم توسعه نیست و استناد به همین ماده هم برای بازپرداخت بدهی‌ها کفایت می‌کند. در متن این ماده چنین آمده است: دولت مکلف است در طول اجرای قانون برنامه در قالب بودجه سنواتی، نسبت به تأدیه بدهی حسابرسی شده خود به سازمان تأمین اجتماعی، از محل سهام قابل واگذاری دولت، در قالب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم (۴۴) قانون اساسی و اصلاحات بعدی آن، املاک مازاد بر نیاز دستگاه‌های اجرائی، تأدیه نقدی در بودجه سنواتی، اوراق بهادار قانونی و امتیازات مورد توافق اقدام کند. این بند شامل دستگاه‌های زیرنظر مقام معظم رهبری و قوای مقننه و قضائیه و نهادهای عمومی غیردولتی نمی‌شود. باید توجه داشت که استناد به این ماده، منوط به اجرایی‌شدن بند و تبصره ۵

قانون بودجه سال ۹۷ نیست و تقریباً همه گزینه‌های آن را هم شامل می‌شود. برای استفاده از تهاتر مطالبات سازمان از دولت با بدهی سازمان به بانک‌ها هم، می‌توان از ظرفیت‌های قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور و آیین‌نامه اجرایی ماده (۱) این قانون استفاده کرد. البته چنانچه دامنه بدهی‌های قابل تهاتر سازمان به نهادهای دولتی گسترش یابد، شاید نیاز به مصوبه جدیدی وجود داشته باشد. در ادامه به بررسی گام‌های اجرایی برای عملیاتی‌شدن بند ن تبصره ۵ می‌پردازیم.

گام‌های اجرایی برای عملیاتی‌شدن بند ن تبصره ۵ بودجه سال ۱۳۹۷

بر اساس متن قوانین و مقرراتی که در بالا به آنها اشاره شد، برای عملیاتی‌شدن بند ن تبصره ۵، حداقل، مراحل زیر باید طی شود:

۱. تدوین آیین‌نامه اجرایی بند ن تبصره ۵ قانون بودجه سال ۱۳۹۷؛
۲. قطعی‌شدن و حسابرسی‌شدن مطالبات سازمان و بدهی‌های دولت (ماده ۱۲ قانون برنامه ششم و قانون رفع موانع تولید)؛
۳. اجراشدن جزء (۱-۲) بند و تبصره ۵ قانون بودجه سال ۱۳۹۷ (متن بند ن)؛
۴. ارائه درخواست متقاضیان تهاتر به وزارت امور اقتصادی و دارایی برای بدهی‌های قطعی شده تا پایان سال ۱۳۹۵ (جزء ۱ بند و)؛
۵. مشخص‌شدن میزان بدهی به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی (جزء ۱ بند و)؛
۶. تعیین و تدوین نمونه کاربرگ فرم‌ها و روش صدور اسناد (اوراق) خزانه نوع اول و نوع دوم توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی (ماده ۳ آیین‌نامه بند و)؛
۷. تهیه و تنظیم و ارسال فرم‌ها و مدارک مورد نیاز به وزارت امور اقتصادی و دارایی توسط سازمان؛
۸. اجرای مراحل اداری و ارائه اطلاعات و مستندات وفق بخشنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی موضوع قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام

مالی کشور و آیین‌نامه اجرایی ماده (۱) این قانون؛

۹. صدور اسناد تسویه خزانه نوع دوم توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی (ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی بند و تبصره ۵)؛

۱۰. ابلاغ اعتبار و صدور تخصیص بابت بدهی‌های تسویه شده توسط سازمان برنامه‌وبودجه (تبصره ۲ ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی بند و تبصره ۵)؛

۱۱. اجرای مراحل اداری و ارائه اطلاعات و مستندات وفق بخشنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی موضوع آیین‌نامه اجرایی بند ن تبصره ۵ قانون بودجه سال ۱۳۹۷ (در صورت تدوین)؛

۱۲. بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی سازمان خصوصی سازی (احتمالاً به خاطر واگذاری‌ها).

همانگونه که مشخص می‌باشد، منوط‌شدن اجرای بند ن به اجرای جزء (۱- ۲) بند و تبصره ۵ قانون بودجه سال ۱۳۹۷ موجب طولانی‌شدن و پیچیده‌شدن فرایند بهره‌مندی از مفاد بند ن تبصره ۵ شده است. در حالی که با توجه به حجم بالای بدهی‌های دولت به سازمان تأمین اجتماعی، این دو بند همزمان می‌توانست فعال شود.

این در حالی است که تکلیف نحوه واگذاری‌ها و روش‌های قیمت‌گذاری و چگونگی همکاری دستگاه‌های دولتی با سازمان تأمین اجتماعی در این خصوص مشخص نیست و احتمالاً منوط به آیین‌نامه‌ای است که هنوز تدوین نشده است.

جمع‌بندی پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان به پرسش‌ها

مطابق با اهداف تعیین شده برای این مطالعه محورهای زیر برای گفت‌وگو با مصاحبه‌شوندگان در نظر گرفته شده بود که در ادامه هر محور با جمع‌بندی همه گفت‌وگوها در خصوص آن محور ارائه می‌گردد.

۱. روش‌های بازپرداخت بدهی‌های دولت به سازمان‌های بیمه‌گر: بر اساس گفت‌وگوهای انجام شده، تقریباً در اکثر موارد، بازپرداخت بدهی‌های دولت با واگذاری شرکت‌های دولتی به سازمان انجام شده است.

۲. آسیب‌شناسی شرکت‌های واگذار شده در تهاثرهای پیشین: یکی از مشکلات در واگذاری‌های پیشین، قیمت‌گذاری نادرست و بالاتر از ارزش واقعی شرکت‌ها، واگذاری شرکت‌های مشکل‌دار به سازمان، واگذاری شرکت‌های زیان‌ده به سازمان، واگذاری شرکت‌های نامتناسب با مدل سرمایه‌گذاری سازمان تأمین اجتماعی و شستا به سازمان و واگذاری شرکت‌ها بدون اختیار کافی برای اصلاح و بهبود در فرایندها و مدیریت شرکت‌ها بوده است.

۳. قابل اجرا بودن و نحوه اجرای مفاد بند «ن» تبصره ۵: علاوه بر تعریف‌نشدن برخی مفاهیم و وجود برخی ابهام‌ها در متن بند ن تبصره ۵ و همچنین پیچیده‌بودن و مشخص‌نبودن نحوه همکاری دستگاه‌های دولتی در اجرای این بند، مهمترین مسئله، اراده دولت برای بازپرداخت بدهی‌هایش به سازمان است. چنانچه اراده‌ای برای بازپرداخت بدهی‌ها باشد، برای آن نیاز به قانون و آیین‌نامه و بخشنامه نیست. همانطور که پیشتر، چنین قوانینی نبوده ولی چون در بالاترین سطح دولت، درک درستی از تأمین اجتماعی و اهمیت آن بوده، واگذاری‌های مهمی هم انجام شده است. بنابراین مهمترین عامل در اجرا شدن تبصره «و» و تبصره «ن» قانون بودجه سال ۱۳۹۷ فهم درست دولت از حوزه رفاه و تأمین اجتماعی و اراده دولت برای بازپرداخت بدهی‌هاست.

۴. مصادیق برگرفته از مفاد بند «ن» تبصره «و» اولویت‌های سازمان در این خصوص؛ به‌طورکلی مجموع گفت‌وگوها در این محور، به اهمیت مدل سرمایه‌گذاری سازمان و توجه به تکمیل زنجیره ارزش و زنجیره تأمین شرکت‌های شستا در این خصوص تأکید داشتند. با این وجود نفت، گاز و پتروشیمی و صنایع بالادستی و پایین دستی آن، معادن و صنایع مس، حوزه IT و ICT و مخابرات از جمله صنایعی بود که مورد توجه قرار داشت.

۵. الزامات مورد توجه سازمان؛ نخستین نکته‌ای که به عنوان یک الزام و اصل جدی مورد توجه صاحب‌نظران بوده است، با توجه به شرایط سازمان، دریافت‌های نقدی یا واگذاری شرکت‌هایی بود که امکان نقدشوندگی بالایی دارند. پس از آن معیار سودده‌بودن شرکت و زمان‌های پرداخت سود قرار داشت. البته امکان مداخلات مؤثر مدیریتی و هماهنگ‌بودن با مدل سرمایه‌گذاری سازمان هم از جمله نکات مورد توجه بود.

۶. امکان‌سنجی قانون دائمی برای بازپرداخت دیون و جلوگیری از ایجاد بدهی جدید: ضمن تأکید بر اینکه اگر اراده بازپرداخت دیون، در دولت، وجود داشته باشد، نیازی به قانونی مستقل نیست، اما، وجود قانونی جامع که در برگبرنده همه شرایط و موانع باشد و به‌خصوص نحوه واگذاری‌ها، روش‌های قیمت‌گذاری‌ها و چگونگی همکاری دستگاه‌های دولتی در آن ذکر شده باشد مفید دانسته شد. تنها ضمانت اجرا نیز اراده دولت عنوان شده است.

پیشنهادات اجرایی

در هر یک از گفت‌وگوها، پیشنهاداتی مطرح شد که هر یک از آنها می‌تواند بخشی از مشکلات موجود در راه بازپرداخت بدهی‌های دولت را کاهش دهد. برخی از این پیشنهادات مشابه بود و برخی دیگر تکمیل‌کننده سایر پیشنهادات که در این بخش جمع‌بندی آنها ارائه می‌شود:

- ۱- تدوین مدل سرمایه‌گذاری سازمان و چارچوب‌ها و معیارهای مدیریت آنها؛
- ۲- تشکیل کمیته مذاکره با دولت برای ایجاد فهمی مشترک از بیمه‌های اجتماعی و اهمیت آنها، واکاوی بحران صندوق‌های بازنشستگی و ضرورت واگذاری‌ها و از آن سو اقناع آنها برای واگذاری شرکت‌های مناسب.
- ۳- تشکیل کمیته تخصصی برای تدوین بسته‌های مختلف برای تهاتر بدهی‌ها. این بسته‌ها شامل میزان و نسبت‌های مختلف از گزینه‌های موجود برای واگذاری، شامل سهام قابل واگذاری دولت در قالب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم (۴۴) قانون اساسی و اصلاحات بعدی آن، املاک مازاد بر نیاز دستگاه‌های اجرائی، تأدیة نقدی در بودجه سنواتی، اوراق بهادار قانونی و امتیازات انحصارات و حقوق مالکانه خواند بود؛
- ۴- گسترش دامنه تهاتر بدهی‌های سازمان. در این زمینه می‌توان سازوکاری برای تهاتر بدهی سازمان به مراکز درمانی دولتی و مطالبات سازمان از دولت طراحی کرد. همانند بند و تبصره ن بودجه سال ۱۳۹۷ اسناد (اوراق) خزانه می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد. همچنین برای جلوگیری از ایجاد بدهی‌های جدید، امکان تهاتر با مالیات‌های مختلفی که سازمان و همه زیرمجموعه‌های آن باید

به دولت پردازند قابل بررسی به نظر می‌رسد. البته این امر می‌تواند مخاطرات اخلاقی و اجرایی هم به دنبال داشته باشد که در طراحی سازوکاری باید به آنها توجه شود؛

۵- پیگیری برای تدوین آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۲ قانون برنامه ششم توسعه؛

۶- استفاده از ظرفیت‌های ماده ۵۰ قانون تأمین اجتماعی برای ایجاد ضمانت اجرایی بازپرداخت بدهی‌ها؛

۷- تشکیل تیم حقوقی و مالی متخصص برای تدوین لایحه جامع تعیین تکلیف بدهی‌های دولت به صندوق‌های بیمه و سازمان‌های بیمه‌گر.

پیشنهاد پژوهش‌ها و مطالعات تکمیلی آتی



- تدوین تاریخچه سرمایه‌گذاری‌های سازمان و واگذاری شرکت‌ها به سازمان؛
- تدوین شناسنامه سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در هر شرکت در طول زمان؛
- مستندسازی و تدوین تجربه شرکت‌داری سازمان تأمین اجتماعی؛
- مستندسازی و تدوین تجربه‌های موفق در مدیریت شرکت‌های واگذار شده و شناسایی عوامل موفقیت؛
- مستندسازی و تدوین تجربه‌های ناموفق و شکست‌خورده در مدیریت شرکت‌های واگذار شده و آسیب‌شناسی آنها.

در مجموع باید در نظر داشت که تسویه بدهی‌های دولت و تدوین سازوکار مناسب و کارآمد برای آن هم نیازمند هم‌افزایی در درون سازمان و هم در خارج از سازمان و در درون دولت است. در این راستا تشکیل کارگروهی دائمی در سطح هیات دولت به منظور پیمودن گام‌های اجرایی و عملیاتی ذکر شده را می‌توان از ضروری‌ترین اقدامات در این زمینه برشمرد. در این راستا پیشنهاد می‌شود که کمیته‌ای تخصصی برای تدوین بسته‌های مختلف به‌منظور تهاتر بدهی‌ها تشکیل شود. این بسته‌ها باید شامل میزان و نسبت‌های مختلف از گزینه‌های موجود برای واگذاری، اعم از سهام قابل واگذاری دولت در قالب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی و اصلاحات بعدی آن، املاک مازاد بر نیاز دستگاه‌های اجرائی، تأدیة نقدی در بودجه سنواتی، اوراق بهادار قانونی و امتیازات، انحصارات و حقوق مالکانه در ذیل کارگروه فوق باشد.

۱. دلاور، علی ۱۳۸۳، میان‌ی نظری و عملی پژوهش، تهران، رشد.
۲. سایت مرکز پژوهش‌های مجلس، بخش قوانین و مقررات.
۳. کریمی، صدیقه و نصر، احمدرضا (۱۳۹۲)، روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه، پژوهش، سال چهارم، شماره اول، پیاپی ۷، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص ۷۱-۹۳.
۴. قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
۵. قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
۶. قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
۷. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
۸. قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
۹. قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
۱۰. قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور.
۱۱. قانون بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور.
12. Cohen, L. & Manion, L. (1986), Research Methods in Education. London.

پیوست: مستندات قانونی

قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی
جمهوری اسلامی ایران

مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱

ه - به وزارت کشاورزی اجازه داده می‌شود که به منظور خودکفایی در امر شکر مورد نیاز جامعه و تأمین بخشی از سایر نیازهای غذایی و صنعتی کشور، نسبت به ایجاد هفت واحد کشت و صنعت نیشکر به وسعت مجموعاً ۸۴۰۰۰ هکتار و ایجاد کارخانجات هفت واحد شکر خام، یک واحد تصفیه، هفت واحد خوراک دام، شش واحد خمیر کاغذ، یک واحد کاغذ چاپ و تحریر، یک واحد نئوپان و یک واحد پروتئین دامی اقدام نماید. اعتبارات ریالی طرح به میزان چهارصد میلیارد (۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به صورت وام از سیستم بانکی و سازمان تأمین اجتماعی دریافت و از محل مابه‌التفاوت قیمت صنفی و صنعتی شکر تولیدی کارخانجات هفت‌تپه و کارون با قیمت رسمی خرید شکر از کارخانجات مذکور که در حساب‌جددگانه‌ای نزد سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان نگهداری خواهد شد، نسبت به بازپرداخت اقساط وام اقدام خواهد کرد.

به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود که برای اجرای طرح فوق‌الذکر توسط وزارت کشاورزی نسبت به



ایجاد تعهد ارزی حداکثر، تا آخر سال ۱۳۷۰، تا سقف یک میلیارد و پانصد میلیون (۱,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار به نحوی اقدام نماید که علاوه بر اتمام طرح در مدت توافق شده بازپرداخت تعهد ایجاد شده حداقل یک سال پس از راه اندازی واحدها در اقساط پنج ساله از محل صرفه جویی ارزی حاصل از تولیدات سالیانه طرح صورت گیرد. همچنین اجازه داده می شود که تا حد مبلغ یک درصد (۱٪) از مجموعه اعتبارات طرح بدون رعایت قانون محاسبات عمومی و سایر مقررات عمومی دولت با رعایت قانون نحوه هزینه کردن اعتباراتی که به موجب قانون از رعایت قانون محاسبات عمومی و سایر مقررات عمومی دولت مستثنی هستند به مصرف برسد.

وزارت کشاورزی موظف است گزارش پیشرفت کار را هر سه ماه یک بار به اطلاع کمیسیون های کشاورزی، برنامه و بودجه و امور اقتصادی و دارایی برساند.

قانون اصلاح بند «ه» تبصره (۲۹) قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

مصوب ۱۳۷۱/۰۲/۲۲

ماده واحده - بخش اول و سوم بند «ه» تبصره (۲۹) قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به شرح زیر اصلاح می گردد:

۱ - بخش اول.

«به وزارت کشاورزی اجازه داده می شود که به منظور خودکفایی در امر تأمین شکر مورد نیاز جامعه و تأمین بخشی از سایر نیازهای غذایی و صنعتی کشور نسبت به ایجاد هفت واحد کشت و صنعت نیشکر به وسعت خالص مجموعاً ۸۴۰۰۰ هکتار مزارع نیشکر و علاوه بر آن ایجاد هفت کارخانه شکر تصفیه شده و بقیه صنایع جانبی شامل کارخانجات خوراک دام، کارخانجات خمیر کاغذ و کاغذ، نئوپان کارخانه M.D.F (ام. دی. اف) کارخانجات پروتئین دامی با ظرفیت های مناسب اقدام نماید.»

۲ - بخش سوم.

«به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود که برای اجرای طرح فوق‌الذکر توسط وزارت کشاورزی راساً یا از طریق بانک‌ها نسبت به تأمین و یا تعهد و یا تضمین ارزی به مبلغ تا یک میلیارد و پانصد میلیون دلار (به عنوان اصل اعتبار) و نیز هزینه‌های ارزی تبعی آن به‌نحو اقدام نماید که بازپرداخت تعهدات ایجاد شده متناسب با اجرای طرح ممکن و میسر گردد. کمیته تخصیص ارز مکلف است پیش‌پرداخت لازم برای اجرای این‌پروژه را از محل سهمیه‌های سالانه در بودجه ارزی منظور و تأمین نماید.»

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ بیست و دوم اردیبهشت ماه یک هزار و سیصد و هفتاد و یک مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ و در تاریخ ۱۳۷۱،۲،۳۱ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

مصوب ۱۳۷۳/۰۹/۲۰

تبصره ۴۳ - به‌منظور رفاه حال بازنشستگان و موظفین و حفظ حقوق آنان و امکان سرمایه‌گذاری و حفظ ارزش سرمایه صندوق بازنشستگی کشوری، دولت مکلف است ضمن پرداخت کسور بازنشستگی سهم دولت به‌طور سالانه و پیش‌بینی آن در بودجه دستگاه‌های اجرائی، همه ساله در طول برنامه دوم حداقل ده درصد (۱۰٪) از دیون خود را به صندوق مزبور پرداخت نماید. به‌نحو که در پایان برنامه، حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) دیون مزبور تأدیه شود.

همچنین به‌منظور افزایش کارآئی و بهره‌وری سازمان‌های دولتی و ایجاد تمهیدات لازم برای اجرای برنامه دوم توسعه و اجرای تبصره ۳ ماده ۴۴ قانون استخدام کشوری، دستگاه‌های دولتی مکلفند، همه ساله، در بودجه سالانه خود اعتبار لازم جهت آموزش مدیریت و فنون اداری مستخدمین خود را پیش‌بینی و تأمین نمایند.

قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۱۷

ماده ۳۹ - به منظور فراهم کردن امکان افزایش خدمات قابل ارائه به بیمه‌شدگان و جلوگیری از بروز بحران مالی در سازمان‌های بیمه‌ای و تقویت بنیه مالی آنها اقدامات ذیل انجام می‌شود:

الف - دولت مکلف است ضمن پرداخت تعهدات سالیانه خود به سازمان‌های بیمه‌ای و عدم ایجاد بدهی جدید تا پایان برنامه سوم، پنجاه درصد بدهی‌های خود به سازمان‌های مذکور را طبق تفاهم با آنان از محل واگذاری سهام شرکت‌های دولتی و اموال و دارائی‌های دولت و طرح‌های نیمه‌تمام متناسب با فعالیت آنها تأدیه کند.

قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

مصوب ۱۳۸۳/۰۶/۱۱

ماده ۹۶ -

ه - اتخاذ تمهیدات لازم جهت بازپرداخت بدهی دولت به سازمان‌های بیمه‌ای به نحوی که ضمن جلوگیری از ایجاد بدهی جدید تا پایان برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، کل بدهی دولت به سازمان‌های بیمه‌ای تسویه شده باشد.

قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰)

مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۳۰

ماده ۲۶ - به دولت اجازه داده می‌شود در راستای ایجاد ثبات، پایداری و تعادل بین منابع و مصارف صندوق‌های بازنشستگی نسبت به اصلاح ساختار این صندوق‌ها بر اساس اصول زیر اقدام قانونی را به عمل آورد.

الف: ۱- کاهش وابستگی این صندوق‌ها به کمک از محل بودجه عمومی دولت به استثناء سهم قانونی دولت در حق بیمه در طول برنامه، از طرق مختلف از جمله: تنظیم عوامل مؤثر بر منابع و مصارف صندوق‌ها منطبق بر محاسبات بیمه‌ای، کاهش حمایت‌های غیربیمه‌ای صندوق‌ها و انتقال آن به نهادهای حمایتی، تقویت سازوکارهای وصول به موقع حق بیمه‌ها و تقویت فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری سودآور با اولویت سرمایه‌گذاری در بازار پول و سرمایه، به نحوی که سود سرمایه‌گذاری مورد نظر کمتر از سود اوراق مشارکت بانکی نباشد.

۲- انجام هرگونه فعالیت بنگاه‌داری جدید برای صندوق‌های دولتی ممنوع است و موارد قبلی و موجود و نیز سهام مدیریتی که در ازاء مطالبات به صندوق‌ها واگذار می‌شود باید طی برنامه زمانبندی شده‌ای که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد تا پایان اجرای برنامه با رعایت مقررات به بخش‌های خصوصی و تعاونی واگذار شود.

۳- همچنین ایجاد هرگونه تعهد بیمه‌ای و بار مالی خارج از ارقام مقرر در جداول قوانین بودجه سنواتی برای صندوق‌ها ممنوع است. تعهدات تکلیف شده فقط در حدود ارقام مذکور قابل اجراء است.

ب - استفاده از روش‌های نوین در اداره و ارائه خدمات این صندوق‌ها از طرق مختلف از جمله تجدیدنظر در ساختار بیمه‌های اجتماعی، سازمان تأمین اجتماعی و صندوق‌های تابعه به ویژه صندوق بازنشستگی کشوری و اصلاح ساختار و تجهیز سایر صندوق‌های وابسته به دستگاه‌های اجرائی بر اساس اساسنامه دولت به نحوی که بر کاهش هزینه‌های سرباری نیروی انسانی از منابع بیمه و کاهش تصدی‌گری تأکید نماید.

تبصره - دولت مجاز است نسبت به شرایط احراز، زمان بهره‌مندی، نظام امتیازبندی بازنشستگی (مشاغل غیرتخصصی) تعیین مشاغل سخت و زیان‌آور، میزان و ترکیب نرخ حق بیمه، افزایش سنواتی و چگونگی اصلاح ساختار صندوق‌ها اقدام قانونی لازم را انجام دهد.

ماده ۲۹- کلیه تصویب‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها، دستورالعمل‌ها و همچنین تصمیمات و مصوبات هیأت‌های امانت و مقامات اجرائی و مراجع قوه مجریه به استثناء احکام محاکم قضائی که متضمن بار مالی برای صندوق‌های بازنشستگی یا دستگاه‌های

اجرائی و دولت باشد در صورتی قابل اجراء است که بار مالی ناشی از آن قبلاً محاسبه و در قوانین بودجه کل کشور و یا بودجه سالانه دستگاه یا صندوق ذی ربط تأمین اعتبار شده باشد. در غیراین صورت عمل مراجع مذکور در حکم تعهد زائد بر اعتبار است و مشمول پرداخت از سوی دستگاه یا صندوق‌های مربوطه نخواهد بود. دستگاهها و صندوق‌های مربوط مجاز به اجرای احکام مقامات اجرائی و مراجع قوه مجریه که بار مالی آن تأمین نشده است، نیستند. اجرای احکام یادشده فقط در حدود منابع مذکور ممکن است در هر حال تحمیل کسری بودجه به دولت و دستگاه‌های اجرائی و صندوق‌ها غیرقابل پذیرش می‌باشد. مسؤولیت اجرای این بند به عهده رؤسای دستگاهها و صندوق‌ها و مدیران و مقامات مربوط است.

ماده ۶۶ - دیون دولت به دستگاه‌های موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۵) قانون محاسبات عمومی کشور و صندوق‌ها و اشخاص حقوقی دولتی و عمومی به استثناء دیون مربوط به سهم قانونی دولت از حق بیمه از محل منابع ناشی از اجرای احکام این قانون محاسبه و تهاتر می‌گردد و هرگونه تعهد جدید نیز فقط در قالب و در حدود بودجه سنواتی کل کشور قابل اجراء می‌باشد.

دیون مربوط به سهم قانونی دولت از حق بیمه صندوق‌ها پس از محاسبه بخشی که از باقیمانده منابع اجرای این قانون و بودجه سنوات قبل کشور با رعایت مسؤولیت قانونی مدیران در رعایت مصلحت صندوق و سود متعارف سرمایه‌گذاری‌ها تهاتر می‌شود، از طریق پیش‌بینی در قوانین بودجه سنواتی قابل پرداخت و تأمین است.

قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶-۱۴۰۰)

مصوب ۱۳۹۶/۰۱/۱۶

ماده ۱۰- دولت مجاز است به منظور گسترش و تعمیق نظام جامع تأمین مالی و ابزارهای آن (بازار پول، بازار سرمایه و بیمه‌ها):

الف - معادل کل بدهی‌های خود به اشخاص حقیقی و حقوقی که تا پایان سال ۱۳۹۵ قطعی شده یا می‌شود را به ترتیب اولویت‌هایی که به پیشنهاد سازمان مشخص می‌شود، تا پایان اجرای قانون برنامه از طریق انتشار اوراق بهادار با کسب رضایت طلبکاران تسویه نماید. اوراق مذکور با رعایت قانون اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران تا سقف مندرج در قوانین بودجه سنواتی و مصون از تورم، طبق آیین‌نامه‌ای که به پیشنهاد سازمان و وزارت امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، انتشار می‌یابد.

تبصره - از ابتدای اجرای قانون برنامه، بدهی‌هایی که توسط دولت ایجاد و مراحل حسابرسی را در مراجع معتبر طی کرده و قطعی شده و از هیچ‌گونه افزایشی بابت عدم پرداخت برخوردار نشده باشند، تا زمان پرداخت بدهی توسط دولت از سودی معادل نرخ تورم تا حداکثر نرخ سود سپرده اعلام شده توسط بانک مرکزی برخوردار می‌شوند. در قراردادهای مربوط باید بندی اضافه شود که به موجب آن دولت ملتزم گردد تا در صورت عدم پرداخت بدهی خود در زمان مقرر معادل نرخ مذکور را به طلبکار بپردازد.

ب - به منظور تأمین اعتبار لازم برای پرداخت‌های مرتبط با اوراق بهادار مذکور (اعم از سود و اصل)، هرساله ردیف خاصی را در لایحه بودجه سنواتی پیش‌بینی کند و به تصویب مجلس شورای اسلامی برساند.

تبصره - اوراق بهادار صادره با نام و مصون از تورم است و معاملات این اوراق فقط در بازارهای متشکل اوراق بهادار تحت نظارت سازمان بورس و اوراق بهادار و با رعایت مقررات این بازارها مجاز و معاملات آنها خارج از بازارهای یادشده ملغی و بلااثر است. عرضه و معاملات این اوراق بهادار به کسر (کمتر از ارزش اسمی) و با نرخ سود شناور مجاز و تضمین بازخرید قبل از سررسید اوراق بهادار مذکور توسط بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری و اشخاص تحت کنترل آنها، مجاز نمی‌باشد. بانک‌ها، دستگاه‌های اجرائی و شرکت‌های دولتی که اوراق بهادار برای تأمین مالی آنها منتشر می‌شود باید اطلاعات موردنیاز سرمایه‌گذاران را متناسب با دستورالعملی که به تصویب شورای بورس می‌رسد، منتشر نمایند.

پ - به وزارت امور اقتصادی و دارایی اجازه داده می‌شود به منظور استفاده از دارایی‌های دولت برای انتشار صکوک اسلامی پیش‌بینی‌شده در این قانون و

ساماندهی و مدیریت دارایی‌ها و اموال در مالکیت دولت و تمرکز اختیارات مربوط به نحوه نقل و انتقال اموال منقول و غیرمنقول و سایر دارایی‌های دولت، ضمن اجرای سامانه جامع اطلاعات اموال غیرمنقول دستگاه‌های اجرائی (سادا) حسب مورد نسبت به انجام اقدامات مورد نیاز برای مدیریت و استفاده از دارایی‌ها و اموال دستگاه‌های اجرائی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۸/۷/۱۳۸۶ به استثنای انفال، اموال دستگاه‌های زیر نظر مقام معظم رهبری و موارد و مصادیق مندرج در اصل هشتاد و سوم (۸۳) قانون اساسی به‌منظور پشتوانه انتشار صکوک اسلامی نظیر ارزیابی توسط کارشناسان رسمی، شناسایی، تعیین و تغییر بهره‌بردار، واگذاری و هرگونه نقل و انتقال یا فروش اموال مذکور با تصویب هیأت وزیران اقدام کند. کلیه دستگاه‌های اجرائی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری در اجرای ماده (۱۳۷) قانون محاسبات عمومی کشور و تبصره (۱۰) ماده (۶۹) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مکلفند ضمن همکاری لازم حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ این قانون نسبت به ثبت کلیه اموال غیرمنقول اعم از اراضی، املاک، ساختمان‌ها و فضاهای اداری در اختیار یا تصرف اعم از اینکه دارای سند مالکیت بوده یا فاقد سند مالکیت باشند، اجازه‌ای یا وقفی یا ملکی در سامانه اقدام نمایند. صدور هرگونه مجوز برای واگذاری حق استفاده، تغییر بهره‌بردار، فروش اموال غیرمنقول دولتی بدون ثبت اطلاعات در سامانه مذکور و اخذ شناسه (کد) رهگیری ممنوع است.

انتشار صکوک اسلامی برای دستگاه‌های وابسته به قوه قضائیه، قوه مقننه و سایر نهادهای حکومتی غیر قوه مجریه و استفاده از دارایی‌ها و اموال این دستگاه‌ها حسب مورد منوط به موافقت عالی‌ترین مقام آنها است.

ت - به وزارت امور اقتصادی و دارایی اجازه داده می‌شود با تصویب هیأت وزیران و رعایت قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم (۴۴) قانون اساسی و در چهارچوب آیین‌نامه اجرائی این بند از سهام دولت در شرکت‌ها، به‌عنوان پشتوانه انتشار اوراق بهادار اسلامی (صکوک) استفاده کند.

ث - وزارت امور اقتصادی و دارایی مجاز است اسناد خزانه اسلامی را به‌منظور رفع عدم تعادل منابع و مصارف بودجه عمومی در طی یک‌سال مالی منتشر نماید. سازمان مکلف است حسب اعلام وزارت امور اقتصادی و دارایی بازپرداخت اصل

و سود اوراق مزبور را به صورت کامل در لویح بودجه سالانه پیش‌بینی و منظور کند. اعتبارات مربوط به بازپرداخت این اوراق صددرصد (۱۰۰٪) تخصیص یافته تلقی می‌شود.

ماده ۱۲- الف - دولت مکلف است در طول اجرای قانون برنامه در قالب بودجه سنواتی نسبت به تأدیه بدهی حسابرسی شده خود به سازمان تأمین اجتماعی از محل سهام قابل واگذاری دولت در قالب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی و اصلاحات بعدی آن، املاک مازاد بر نیاز دستگاه‌های اجرائی، تأدیه نقدی در بودجه سنواتی، اوراق بهادار قانونی و امتیازات مورد توافق اقدام کند. این بند شامل دستگاه‌های زیرنظر مقام معظم رهبری و قوای مقننه و قضائیه و نهادهای عمومی غیردولتی نمی‌شود.

تبصره - در اجرای حکم این بند باید سالانه حداقل ده درصد (۱۰٪) بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی تسویه گردد و هرگونه تعهد جدید برای سازمان تأمین اجتماعی باید در قانون بودجه همان سال پیش‌بینی و تأمین شود. ب - سازمان تأمین اجتماعی موظف است مطابق قوانین مربوطه در طول اجرای قانون برنامه، حقوق بازنشستگان و مستمری‌بگیران را متناسب‌سازی نماید.

بند (ب) ماده (۱۲) در طول اجرای قانون برنامه بر قانون راجع به تعیین حداکثر حقوق بازنشستگی و وظیفه کارکنان دولت و مشمولان صندوق تأمین اجتماعی مصوب ۳۰/۳/۱۳۶۱ و قانون نظام هماهنگ حقوق بازنشستگی و وظیفه مصوب ۲۳/۶/۱۳۷۳ حاکم است.

پ - مؤسسه صندوق حمایت و بازنشستگی کارکنان فولاد با کلیه وظایف، اختیارات، تعهدات و دارایی‌ها - از جمله اموال منقول و غیرمنقول، سهام، امتیازات، موجودی، اسناد و اوراق با حفظ هویت مستقل به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی انتقال می‌یابد.

حداکثر طی مدت سه سال، کلیه تعهدات حال و آتی صندوق - به میزانی که براساس مطالعات محاسبه بیمه‌ای برای تعیین ارزش فعلی تعهدات آتی (اکچوئری) که حداکثر ظرف مدت سه‌ماه به تأیید سازمان حسابرسی کشور می‌رسد و مورد تأیید سازمان قرار می‌گیرد - با منابع حاصل از واگذاری سهام،

سهم‌الشرکه، اموال شرکتها، امتیازات، حقوق بهره‌برداری از معادن و حقوق مالی دولت و سایر منابع حسب مورد از طریق سازمان خصوصی‌سازی و خزانه‌داری کل کشور پرداخت خواهد شد. میزان واگذاری‌ها هر ساله در بودجه‌های سالانه پادار خواهد گردید.

فصول اول تا بیستم قانون محاسبات عمومی کشور

مصوب ۱۳۶۶/۰۶/۰۱

فصل اول - تعاریف

ماده ۱ - بودجه کل کشور برنامه مالی دولت است که برای یک سال مالی تهیه و حاوی پیش‌بینی درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار و برآورد هزینه‌ها برای انجام عملیاتی که منجر به نیل سیاست‌ها و هدف‌های قانونی می‌شود، بوده و از سه قسمت به شرح زیر تشکیل می‌شود:

۱- بودجه عمومی دولت که شامل اجزاء زیر است:

الف - پیش‌بینی دریافت‌ها و منابع تأمین اعتبار که به طور مستقیم و یا غیر مستقیم در سال مالی قانون بودجه به وسیله دستگاه‌ها از طریق حسابهای خزانه‌داری کل اخذ می‌گردد.

ب - پیش‌بینی پرداخت‌هایی که از محل درآمدهای عمومی و یا اختصاصی برای اعتبارات جاری عمرانی و اختصاصی دستگاه‌های اجرایی می‌تواند در سال مالی مربوط انجام گردد

۲- بودجه شرکت‌های دولتی و بانک‌ها شامل پیش‌بینی درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار.

۳- بودجه مؤسساتی که تحت عنوانی غیر از عناوین فوق در بودجه کل کشور منظور می‌شود.

ماده ۲ - وزارتخانه واحد سازمانی مشخصی است که به موجب قانون به این عنوان شناخته شده و یا بشود.

ماده ۳ - مؤسسه دولتی واحد سازمانی مشخصی است که به موجب قانون ایجاد و زیر نظر یکی از قوای سه‌گانه اداره می‌شود و عنوان وزارتخانه ندارد.

تبصره - نهاد ریاست جمهوری که زیر نظر ریاست جمهوری اداره می‌گردد. از نظر این قانون مؤسسه دولتی شناخته می‌شود.

ماده ۴ - شرکت دولتی واحد سازمانی مشخصی است که با اجازه قانون به صورت شرکت ایجاد شود و یا به حکم قانون و یا دادگاه صالح ملی شده و یا مصادره شده و به عنوان شرکت دولتی شناخته شده باشد و بیش از ۵۰ درصد سرمایه آن متعلق به دولت باشد. هر شرکت تجاری که از طریق سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولتی ایجاد شود، مادام که بیش از پنجاه درصد سهام آن متعلق به شرکت‌های دولتی است، شرکت دولتی تلقی می‌شود.

تبصره - شرکت‌هایی که از طریق مضاربه و مزارعه و امثال اینها به منظور به کار انداختن سپرده‌های اشخاص نزد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و شرکت‌های بیمه ایجاد شده یا می‌شوند از نظر این قانون شرکت دولتی شناخته نمی‌شوند.

ماده ۵ - مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی از نظر این قانون واحدهای سازمانی مشخصی هستند که با اجازه قانون به منظور انجام وظایف و خدماتی که جنبه عمومی داد، تشکیل شده و یا می‌شود.

تبصره - فهرست این قبیل مؤسسات و نهادها با توجه به قوانین و مقررات مربوط از طرف دولت پیشنهاد و به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید.

ماده ۶ - سال مالی یک سال هجری شمسی است که از اول فروردین ماه آغاز و به پایان اسفند ماه ختم می‌شود.

ماده ۷ - اعتبار عبارت از مبلغی است که برای مصرف یا مصارف معین به منظور نیل به اهداف و اجرای برنامه‌های دولت به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد.

ماده ۸ - دیون بلامحل عبارت است از بدهی‌های قابل پرداخت سنوات گذشته که در بودجه مربوط اعتباری برای آنها منظور نشده و یا زائد بر اعتبار مصوب و در هر دو صورت به یکی از طرق زیر بدون اختیار دستگاه ایجاد شده باشد:

الف - احکام قطعی صادره از طرف مراجع صالحه.

ب - انواع بدهی به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی ناشی از خدمات انجام شده مانند حق اشتراک برق، آب، هزینه‌های مخابراتی، پست و هزینه‌های مشابه که خارج از اختیار دستگاه اجرایی ایجاد شده باشد.

ج - سایر بدهی‌هایی که خارج از اختیار دستگاه ایجاد شده باشد. انواع دیون بلامحل موضوع این بند از طرف وزارت امور اقتصادی و دارایی تعیین و اعلام خواهد شد.

ماده ۹ - مواد هزینه، نوع هزینه را در داخل بودجه و یا قسمتی از فعالیت یک وزارتخانه یا مؤسسه دولتی مشخص می‌کند.

ماده ۱۰ - درآمد عمومی عبارت است از درآمدهای وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و مالیات و سود سهام شرکت‌های دولتی و درآمد حاصل از انحصارات و مالکیت و سایر درآمدهایی که در قانون بودجه کل کشور تحت عنوان درآمد عمومی منظور می‌شود.

ماده ۱۱ - دریافت‌های دولت عبارت است از کلیه وجوهی که تحت عنوان درآمد عمومی و درآمد اختصاصی و درآمد شرکت‌های دولتی و سایر منابع تأمین اعتبار و سپرده‌ها و هدایا به استثناء هدایایی که برای مصارف خاصی اهداء می‌گردد و مانند اینها و سایر وجوهی که به موجب قانون باید در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز شود.

ماده ۱۲ - سایر منابع تأمین اعتبار عبارتند از منابعی که تحت عنوان وام، انتشار اوراق قرضه، برگشتی از پرداخت‌های سال‌های قبل و عناوین مشابه در قانون بودجه کل کشور پیش‌بینی می‌شود و ماهیت درآمد ندارند.

ماده ۱۳ - وجوه عمومی عبارت است از نقدینسه‌های مربوط به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی و نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی و مؤسسات وابسته به سازمان‌های مذکور که متعلق به حق افراد و مؤسسات خصوصی نیست و صرفنظر از نحوه و منشاء تحصیل آن منحصرأً برای مصارف عمومی به موجب قانون قابل دخل و تصرف می‌باشد.

تبصره ۱ - وجوهی نظیر سپرده، وجه‌الضمان و مانند آنها که به طور موقت در اختیار دستگاه‌های مذکور در این ماده قرار می‌گیرد و پس از انقضای مدت معین و یا حصول شرایط خاص قابل استرداد است مادام که در اختیار دستگاه‌های مزبور می‌باشد تصرف در آنها بدون رضایت صاحب وجه یا احراز اعراض صاحب آن در حکم تصرف غیر قانونی در وجوه عمومی تلقی می‌گردد.

تبصره ۲ - اسناد و اوراق بهادار متعلق به سازمان‌های مذکور در این ماده نیز در حکم وجوه عمومی است.

ماده ۱۴ - درآمد اختصاصی عبارت است از درآمدهایی که به موجب قانون برای مصرف یا مصارف خاص در بودجه کل کشور تحت عنوان درآمد اختصاصی منظور می‌گردد و دولت موظف است حداکثر تا سه سال پس از تصویب این قانون، بودجه اختصاصی را حذف نماید.

ماده ۱۵ - درآمد شرکت‌های دولتی عبارت است از درآمدهایی که در قبال ارائه خدمت و یا فروش کالا و سایر فعالیت‌هایی که شرکت‌های مذکور به موجب قوانین و مقررات مجاز به انجام آنها هستند عاید آن شرکت‌ها می‌گردد.

ماده ۱۶ - سایر منابع تأمین اعتبار شرکت‌های دولتی عبارت است از منابعی که شرکت‌های مزبور تحت عنوان کمک دولت، وام استفاده از ذخائر، کاهش سرمایه در گردش و یا عناوین مشابه به موجب قانون مجاز به منظور کردن آن در بودجه‌های مربوط هستند.

تبصره - منظور از سرمایه در گردش مذکور در این ماده مازاد دارایی‌های جاری بر بدهی‌های جاری است.

ماده ۱۷ - تشخیص، عبارت است از تعیین و انتخاب کالا و خدمات و سایر پرداخت‌هایی که تحصیل یا انجام آنها برای نیل به اجرای برنامه‌های دستگاه‌های اجرایی ضروری است.

ماده ۱۸ - تأمین اعتبار عبارت است از اختصاص دادن تمام یا قسمتی از اعتبار مصوب برای هزینه معین.

ماده ۱۹ - تعهد از نظر این قانون عبارت است از ایجاد دین بر ذمه دولت ناشی از:

- الف - تحویل کالا یا انجام دادن خدمت.
- ب - اجرای قراردادهایی که با رعایت مقررات منعقد شده باشد.
- ج - احکام صادر شده از مراجع قانونی و ذیصلاح.
- د - پیوستن به قراردادهای بین‌المللی و عضویت در سازمان‌ها یا مجامع بین‌المللی با اجازه قانون.
- ماده ۲۰ - تسجیل عبارت است از تعیین میزان بدهی قابل پرداخت به موجب اسناد و مدارک اثبات‌کننده بدهی.

قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی،
اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجراء
سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی

مصوب ۱۳۷۸/۳/۲۵

ماده ۶ - مؤسسات عمومی غیردولتی موضوع ماده (۵) قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی آن و شرکت‌های تابعه و وابسته آنها حق مالکیت مستقیم و غیرمستقیم مجموعاً حداکثر تا چهل درصد (۴۰٪) سهم بازار هر کالا و یا خدمت را دارند.

تبصره ۱- تأدیه بدهی‌های دولت به این مؤسسات، نهادها و شرکت‌ها از طریق واگذاری سهام موضوع این قانون تنها با رعایت سقف‌های مقرر در این قانون مجاز است.

تبصره ۲- وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است بر حسن اجراء این ماده و تبصره آن نظارت کند و در صورت مشاهده موارد مغایر، آن را به شورای عالی اجراء سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) جهت اتخاذ تصمیم اعلام نماید.

قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت

مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۸

ماده ۹۳ - سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مکلف است در پایان هر سه ماه معادل ارزش خدمات ارائه شده راه آهن و بهای سوخت، آب، فاضلاب، برق، گاز، مخابرات و بدهی به صندوق‌های بازنشستگی و بیمه خدمات درمانی نیروهای نظامی و انتظامی جمهوری اسلامی ایران را در صورت عدم پرداخت توسط دستگاه‌های ذی‌ربط، از اعتبارات ردیف‌های دستگاه‌های ذی‌ربط کسر و حسب مورد به دستگاه طلبکار و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح پرداخت نماید. همچنین هزینه‌های سوخت، آب، برق، مخابرات و تعمیرات جزئی خانه‌های سازمانی توسط بهره‌بردار و هزینه واحدهائی از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران که به کارهای انتفاعی می‌پردازند، از محل درآمدهای مزبور پرداخت خواهد شد. در مورد آب و برق خانه‌های سازمانی به استثنای خانه‌های سازمانی پاسگاه‌های مرزی، نیروهای مسلح موظفند با نصب کنتور مجزا با هماهنگی وزارتخانه‌های کشور و دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح هزینه برق و آب مصرفی را مستقیماً توسط بهره‌بردار به شرکت‌های خدمات دهنده پرداخت نمایند.

قانون مدیریت خدمات کشوری

۱۳۸۶/۰۷/۰۸

فصل اول - تعاریف

ماده ۱ - وزارتخانه؛ واحد سازمانی مشخصی است که تحقق یک یا چند هدف از اهداف دولت را برعهده دارد و به موجب قانون ایجاد شده یا می‌شود و توسط وزیر اداره می‌گردد.

ماده ۲ - مؤسسه دولتی؛ واحد سازمانی مشخصی است که به موجب قانون ایجاد شده یا می‌شود و با داشتن استقلال حقوقی، بخشی از وظایف و اموری را که بر عهده یکی از قوای سه گانه و سایر مراجع قانونی می‌باشد انجام می‌دهد.

کلیه سازمان‌هایی که در قانون اساسی نام برده شده است در حکم مؤسسه دولتی

شناخته می‌شود.

ماده ۳- مؤسسه یا نهاد عمومی غیردولتی: واحد سازمانی مشخصی است که دارای استقلال حقوقی است و با تصویب مجلس شورای اسلامی ایجاد شده یا می‌شود و بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) بودجه سالانه آن از محل منابع غیردولتی تأمین گردد و عهده دار وظایف و خدماتی است که جنبه عمومی دارد.

ماده ۴- شرکت دولتی: بنگاه اقتصادی است که به موجب قانون برای انجام قسمتی از تصدی‌های دولت به موجب سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی، ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری جزو وظایف دولت محسوب می‌گردد، ایجاد و بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) سرمایه و سهام آن متعلق به دولت می‌باشد. هر شرکت تجاری که از طریق سرمایه‌گذاری وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی منفرداً یا مشترکاً ایجاد شده مادام که بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) سهام آنها منفرداً یا مشترکاً متعلق به واحدهای سازمانی فوق‌الذکر باشد شرکت دولتی است.

تبصره ۱- تشکیل شرکت‌های دولتی تحت هر یک از عناوین فوق‌الذکر صرفاً با تصویب مجلس شورای اسلامی مجاز است، همچنین تبدیل شرکت‌هایی که سهام شرکت‌های دولتی در آنها کمتر از پنجاه درصد (۵۰٪) است با افزایش سرمایه به شرکت دولتی ممنوع است.

تبصره ۲- شرکت‌هایی که به حکم قانون یا دادگاه صالح، ملی و یا مصادره شده و شرکت دولتی شناخته شده یا می‌شوند، شرکت دولتی تلقی می‌گردند.

تبصره ۳- احکام «شرکت‌های دولتی» که در این قانون ذکر شده بر کلیه شرکت‌هایی که شمول قوانین و مقررات عمومی بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است نیز اعمال خواهد شد.

ماده ۵- دستگاه اجرایی: کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت‌های دولتی و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر و یا تصریح نام است از قبیل شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی، بانک‌ها و بیمه‌های دولتی، دستگاه اجرایی نامیده می‌شوند.

قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور

مصوب ۱۳۹۴/۰۲/۲۰

ماده ۱- دولت موظف است:

الف - ظرف مدت شش ماه از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون، «جدول بدهی‌ها و مطالبات دولت و شرکت‌های دولتی» را در سه طبقه به شرح زیر تهیه و به کمیسیون‌های اقتصادی و برنامه‌بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی ارائه کند:

طبقه اول: مطالبات و بدهی‌های اشخاص حقوقی خصوصی و تعاونی به تفکیک اشخاص

طبقه دوم: مطالبات و بدهی‌های نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی به تفکیک مؤسسه

طبقه سوم: مطالبات و بدهی‌های بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به تفکیک بانک‌ها
ب- جدول مزبور باید هر سه ماه یک بار به روزرسانی شده، به کمیسیون‌های مذکور ارائه شود.

پ - دولت موظف است از سال ۱۳۹۴ به بعد، همزمان با ارائه لایحه بودجه، جدول بدهی‌ها و مطالبات قطعی شده و تعهدات دولت به اشخاص حقوقی خصوصی و تعاونی و مؤسسات عمومی غیردولتی و بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و تعهدات آنها به دولت را که به تأیید سازمان حسابرسی کشور رسیده است، به مجلس شورای اسلامی ارائه کند.

تبصره - به منظور اجرای احکام مذکور در بندهای (ب) و (پ) این ماده، از ابتدای سال ۱۳۹۵ واحد جداگانه‌ای در وزارت امور اقتصادی و دارایی ایجاد می‌شود. این واحد موظف است خلاصه مطالبات، بدهی‌ها و تعهدات دولت را احصا و ثبت کند و علاوه بر گزارش‌های فصلی، گزارش‌های سالانه، جهت ارائه به رئیس جمهور و مجلس شورای اسلامی، تهیه نماید. گزارش‌های سالانه باید به تأیید سازمان حسابرسی کشور برسد. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است با

پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی، نسبت به اصلاح ساختار سازمانی وزارت امور اقتصادی و دارایی با رعایت قوانین و مقررات مربوط اقدام کند. شرح وظایف واحد مزبور مشترکاً توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و ابلاغ می‌شود. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است نیروی انسانی واحد مذکور را از محل نیروهای موجود در دولت و اعتبار مورد نیاز آن را از محل اعتبار برنامه تنظیم صورت عملکرد سالانه بودجه کشور تأمین کند.

آیین‌نامه اجرایی این ماده ظرف مدت دوماه از تاریخ ابلاغ این قانون، به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۲- دولت موظف است:

الف - حداکثر ظرف مدت شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، بدهی‌های قطعی خود به اشخاص حقیقی و حقوقی تعاونی و خصوصی را که در چارچوب مقررات مربوط تا پایان سال ۱۳۹۲ ایجاد شده، با مطالبات قطعی دولت (وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی) از اشخاص مزبور تسویه کند. بدین منظور وزارت امور اقتصادی و دارایی، اسناد تعهدی خاصی را با عنوان «اوراق تسویه خزانه» صادر می‌کند و در اختیار اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی و تعاونی طلبکار و متقابلاً بدهکار قرار می‌دهد. این اسناد صرفاً به منظور تسویه بدهی اشخاص یاد شده به دولت مورد استفاده قرار می‌گیرد. جمع مبلغ اوراق تسویه خزانه که به موجب این ماده صادر می‌شود و در اختیار طلبکاران قرار می‌گیرد، به صورت جمعی - خرجی در بودجه‌های سنواتی درج می‌شود.

ب - همه ساله به میزان مابه‌التفاوت مطالبات قطعی اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی و تعاونی از دولت و شرکت‌های دولتی و بدهی قطعی شده آنان به دولت و شرکت‌های دولتی، در لایحه بودجه سالانه، انتشار «اوراق صکوک اجاره» را پیش‌بینی نماید. اوراق مزبور قابل معامله در بازار ثانویه است. آیین‌نامه اجرایی نحوه انتشار اوراق صکوک اجاره، بازپرداخت سود و تضمین آن حسب مورد توسط دولت و شرکت‌های دولتی ذی‌ربط، ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ این قانون، به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزارت امور اقتصادی و دارایی و

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

اوراق صکوک اجاره در این قانون عبارت است از اوراق بهادار قابل نقل و انتقال که نشان دهنده مالکیت مشاع دارنده در منافع دارایی مورد اجاره باشد.

پ- در صورت درخواست اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی و تعاونی، مطالبات خود از آنان را با بدهی شرکت‌های دولتی به آنها، تهاتر کند. شرکت دولتی که به این ترتیب جایگزین بدهکار می‌شود، موظف است مبلغ بدهی تسویه شده را به حساب درآمد عمومی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز کند.

حکم این بند با رعایت جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی قابل اجرا می‌باشد.

تبصره ۱- دولت مجاز است احکام سه گانه این ماده را در مورد اشخاص، نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی و بانک‌ها اجرا کند.

تبصره ۲- پرداخت مطالبات و دیون اینثارگران، جانبازان، آزادگان و خانواده شهدا و مفاد قانون تفسیر ماده (۱۳) قانون حمایت از آزادگان مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۴ از محل منابع حاصل از واگذاری اموال دولت به استثنای واگذاری‌های مشمول قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی با تأیید ذی‌حساب دستگاه بنیاد شهید و امور اینثارگران در اولویت قرار دارد.

ماده ۳- به دولت اجازه داده می‌شود عملیات اجرایی وصول مطالبات دولت (وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی) را در مواردی که واجد شرایط مذکور در ماده (۲) این قانون می‌باشند، تا مبلغ بدهی قابل تسویه طبق آیین‌نامه اجرایی که به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، تا پایان سال ۱۳۹۵ متوقف و محدودیت خروج مدیران اشخاص یاد شده از کشور را به لحاظ بدهی‌های مذکور و در سقف مبلغ یاد شده مرتفع کند.

تبصره - سازمان تأمین اجتماعی مکلف است تا پایان سال ۱۳۹۵ از ممنوع‌الخروج نمودن کارفرما و توقیف ابزار و ماشین‌آلات تولید و مواد اولیه خودداری کند.

آیین‌نامه اجرایی ماده (۱) قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای مالی کشور

مصوب ۱۳۹۴/۰۵/۱۱

هیأت وزیران در جلسه ۱۳۹۴/۵/۱۱ به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و به استناد ماده (۱) قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور - مصوب ۱۳۹۴ - آیین‌نامه اجرایی ماده یادشده را به شرح زیر تصویب کرد:

ماده ۱- در این آیین‌نامه اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند:
الف - قانون: قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور - مصوب ۱۳۹۴ - .

ب - بانک‌ها: بانک‌های دولتی و غیردولتی.

پ - مؤسسات اعتباری: مؤسسات اعتباری غیربانکی دارای مجوز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

ت - وزارت: وزارت امور اقتصادی و دارایی.

ث - دستگاه‌های اجرایی: کلیه دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری.

ج - طبقات اشخاص: اشخاص حقیقی و حقوقی طلبکار از دولت و بدهکار به دولت و شرکت‌های دولتی که در سه طبقه به شرح زیر قرار می‌گیرند:

۱- طبقه اول: اشخاص حقوقی خصوصی و تعاونی به تفکیک اشخاص

۲- طبقه دوم: نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی به تفکیک مؤسسه

۳- طبقه سوم: بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به تفکیک بانک‌ها و مؤسسات اعتباری

چ - مطالبات دولت: مطالبات (اعم از جاری و غیرجاری) وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (طرح‌هایی که اعتبارات آن‌ها از محل بودجه عمومی دولت تأمین می‌شود و مربوط به مؤسسات و نهادهای

عمومی غیردولتی و شرکت‌های دولتی می‌باشد) که در چارچوب قوانین و مقررات ایجاد می‌شود.

ح - بدهی‌های دولت: بدهی‌های (اعم از جاری و غیرجاری) وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (طرح‌هایی که اعتبارات آن‌ها از محل بودجه عمومی دولت تأمین می‌شود و مربوط به مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و شرکت‌های دولتی می‌باشد) که در چارچوب قوانین و مقررات ایجاد می‌شود.

خ - مطالبات شرکت‌های دولتی: مطالبات شرکت‌های دولتی مشتمل بر شرکت‌های دولتی مستلزم ذکر یا تصریح نام اعم از مطالبات جاری و غیرجاری.

د - بدهی‌های شرکت‌های دولتی: بدهی‌های شرکت‌های دولتی مشتمل بر شرکت‌های دولتی مستلزم ذکر یا تصریح نام اعم از بدهی‌های جاری و غیرجاری.

تبصره ۱- بدهی‌ها و مطالبات دولت و شرکت‌های دولتی پس از تأیید سازمان حسابرسی قطعی محسوب می‌شود.

تبصره ۲- بدهی‌ها و مطالبات دولت که توسط دستگاه‌های اجرایی ذیربط اعلام نشده باشد، با اعلام وزارت و تأیید سازمان حسابرسی قطعی تلقی می‌شود.

ماده ۲- دستگاه‌های اجرایی مکلفند در اجرای این آیین‌نامه اطلاعات مورد درخواست وزارت را بر اساس بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی موضوع این آیین‌نامه که حسب ضرورت با رعایت مقررات قانونی مربوط توسط وزارت ابلاغ خواهد شد، ارایه نمایند.

تبصره ۱- میزان و کیفیت اطلاعات مورد نیاز و همچنین نحوه و زمان بندی ارسال آن توسط وزارت تعیین می‌شود.

تبصره ۲- دستگاه‌های اجرایی موضوع این ماده مکلفند بسترهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری لازم برای تبادل بر خط اطلاعات مالی مورد نیاز با وزارت را ایجاد و دسترسی‌های مربوط را برای وزارت فراهم نمایند.

ماده ۳- وزارت موظف است ظرف شش ماه پس از لازم‌الاجراء شدن قانون، جدول بدهی‌ها و مطالبات دولت و شرکت‌های دولتی را در طبقات اشخاص تهیه و برای

ارسال به کمیسیون‌های اقتصادی و برنامه‌ریزی و محاسبات مجلس شورای اسلامی به رئیس جمهور ارایه نماید.

تبصره - جدول مذکور باید هر سه ماه یک بار به روزرسانی و ارایه شود.

ماده ۴- وزارت موظف است از سال ۱۳۹۵، هم زمان با ارایه لایحه بودجه سالانه کل کشور، جدول بدهی‌ها و مطالبات قطعی شده دولت را تا پایان سال قبل به تفکیک طبقات اشخاص برای ارسال به مجلس شورای اسلامی به رئیس جمهور ارایه نماید.

تبصره ۱- در راستای بند (پ) ماده (۱) قانون و تبصره آن، دستگاه‌های اجرایی حسب مورد مکلفند نسبت به اخذ تأییدیه سازمان حسابرسی و ارائه آن به وزارت بر اساس ترتیبات مقرر در ماده (۲) این آیین‌نامه اقدام نمایند. تأییدیه‌های اخذ شده از سازمان حسابرسی که در اجرای این تبصره دریافت می‌شود، در حکم تأیید گزارش‌های سالانه توسط سازمان حسابرسی تلقی می‌شود.

تبصره ۲- اعتبار لازم برای انجام حسابرسی موضوع تبصره (۱) این ماده، توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در لوایح بودجه سنواتی ذیل بودجه دستگاه‌های اجرایی مربوط، پیش‌بینی می‌شود.

ماده ۵- وزارت مجاز است رأساً با اعزام مأمور، اسناد و مدارک مربوط را در محل دستگاه‌های اجرایی مورد رسیدگی قرار دهد.

ماده ۶- به‌منظور اجرای احکام مندرج در بندهای (ب) و (پ) ماده (۱) قانون، از ابتدای سال ۱۳۹۵ مرکز جداگانه‌ای در وزارت با مسئولیت خزانه‌داری کل کشور ایجاد می‌شود. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است نیروی انسانی مرکز یاد شده را از محل نیروهای موجود در دولت و اعتبار مورد نیاز آن را از محل اعتبار برنامه تنظیم صورتحساب عملکرد سالانه بودجه کل کشور تأمین نماید. این مرکز موظف است خلاصه مطالبات، بدهی‌ها و تعهدات دولت را احصا و ثبت کند و علاوه بر گزارش‌های فصلی، گزارش‌های سالانه (موضوع ماده ۴ این آیین‌نامه) را برای ارایه به رئیس جمهور و مجلس شورای اسلامی تهیه نماید.

تبصره - پس از تشکیل مرکز یاد شده، تصویب نامه شماره ۲۳۶۰۹/ت/۵۰۱۸۳-هـ.

مورخ ۱۳۹۳/۳/۴ کان لم یکن تلقی می‌شود.

ماده ۷- وزارت و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظفند حسب مورد بر اساس تبصره ماده (۱) قانون نسبت به اصلاح ساختار سازمانی وزارت و تهیه و ابلاغ شرح وظایف مرکز موضوع ماده (۶) اقدام نمایند.
معاون اول رئیس‌جمهور - اسحاق جهانگیری

تبصره ۵ قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کشور

مصوب ۱۳۹۶/۱۲/۲۶

اجازه داده می‌شود در سال ۱۳۹۷ با رعایت قوانین و مقررات:

الف - شرکت‌های دولتی و وابسته وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی و همچنین دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و مؤسسات پژوهشی و پارک‌های علم و فناوری با تصویب هیأت امنای تا سقف چهل و پنج هزار میلیارد (۴۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال اوراق مالی اسلامی ریالی برای اجرای طرح‌های دارای توجیه فنی، اقتصادی، مالی و زیست محیطی خود که به تصویب شورای اقتصاد می‌رسد، با تضمین و بازپرداخت اصل و سود توسط خود، منتشر کنند.

ب - دولت تا مبلغ دویست و شصت هزار میلیارد (۲۶۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال اوراق مالی اسلامی (ریالی - ارزی) منتشر و منابع حاصل را به ردیف شماره ۳۱۰۱۰۸ جدول شماره (۵) این قانون واریز کند. منابع واریزی به طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای نیمه تمام و طرح‌های ساماندهی دانشگاه‌ها مندرج در پیوست شماره (۱) و همچنین اعتبارات طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استانی این قانون اختصاص می‌یابد تا براساس موافقتنامه متبادله با سازمان برنامه‌وبودجه کشور هزینه شود. سود و هزینه‌های مربوط به انتشار اوراق مذکور در جدول شماره (۹) این قانون پیش بینی و قابل پرداخت می‌باشد.

ج - اوراق فروش نرفته طرح‌های بندهای (الف) و (ب) این تبصره، در سقف مطالبات معوق همان طرح با تأیید رئیس دستگاه اجرائی، ذی‌حساب ذی‌ربط و سازمان برنامه‌وبودجه کشور قابل واگذاری به تمامی طلبکاران طرح مذکور

اعم از پیمانکاران، مشاوران، تأمین‌کنندگان تجهیزات و همچنین سایر هزینه‌های طرح‌ها و پروژه‌ها از جمله تملک اراضی و تأدیه بدهی طرح‌های ساماندهی دانشگاهها) است.

د - شهرداری‌های کشور و سازمان‌های وابسته به آنها با تأیید وزارت کشور (سازمان امور شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور) تا سقف پنجاه و پنج هزار میلیارد (۵۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال اوراق مالی اسلامی ریالی با تضمین خود و با بازپرداخت اصل و سود آن توسط همان شهرداری‌ها منتشر کنند. حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) از سقف اوراق موضوع این بند به طرح‌های قطار شهری و حمل و نقل شهری و رفع آلودگی هوا اختصاص می‌یابد. تضمین بازپرداخت اصل و سود این اوراق برای اجرای طرح‌های قطار شهری و حمل و نقل شهری به نسبت پنجاه درصد (۵۰٪) دولت و پنجاه درصد (۵۰٪) شهرداری‌ها است و تضمین پنجاه درصد (۵۰٪) سهم دولت برعهده سازمان برنامه‌وبودجه کشور می‌باشد.

اوراق فروش نرفته این بند در سقف مطالبات معوق طرح با تأیید شهرداری مربوطه و سازمان برنامه‌وبودجه کشور قابل واگذاری به طلبکاران طرح می‌باشد.

ه - دولت، اسناد خزانه اسلامی با حفظ قدرت خرید و با سررسید تا سه سال را صادر و به طلبکاران (طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، خرید تضمینی محصولات راهبردی (استراتژیک) کشاورزی، مابه‌التفاوت قیمت تضمینی محصولات با قیمت فروش، بیمه محصولات کشاورزی، تأدیه بدهی‌های سازمان‌های بیمه پایه سلامت و مطالبات تولیدکنندگان برق) تا سقف نود و پنج هزار میلیارد (۹۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال واگذار کند. بازپرداخت اصل این اسناد در قوانین بودجه‌های سنواتی کل کشور پیش‌بینی می‌شود و خزانه‌داری کل کشور موظف است از محل اعتبارات ردیف‌های فصل مربوطه و جدول (۸) این قانون نسبت به تسویه آن اقدام نماید. مبلغ چهل و هفت هزار و پانصد میلیارد (۴۷۰۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال از مبلغ موضوع این بند به سازمان بیمه سلامت ایران اختصاص می‌یابد.

و - دولت از طریق اسناد (اوراق) تسویه خزانه، بدهی‌های قطعی خود به اشخاص حقیقی و حقوقی، تعاونی و خصوصی که در چهارچوب مقررات مربوط، تا پایان سال ۱۳۹۶ ایجاد شده، با مطالبات قطعی دولت (وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی)

از اشخاص مزبور تا مبلغ بیست هزار میلیارد (۲۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال به صورت جمعی-خرجی تسویه کند. مطالبات قطعی دولت از اشخاص حقیقی و حقوقی تعاونی و خصوصی که در اجرای بند (ب) ماده (۲) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور به شرکت‌های دولتی منتقل شده با بدهی دولت به شرکت‌های مذکور، مطالبات اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی و تعاونی از دولت بابت طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای با بدهی اشخاص یادشده به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی از طریق تسویه بدهی‌های بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی به دولت، به وسیله این اسناد قابل تسویه است.

۱- به دولت اجازه داده می‌شود، در صورت درخواست متقاضیان، مطالبات قطعی اشخاص حقیقی و حقوقی و خصوصی و تعاونی و نهادهای عمومی غیردولتی و نیز شرکت‌های دولتی تابعه وزارتخانه‌های نیرو و جهاد کشاورزی بابت یارانه قیمت‌های تکلیفی از دولت، که در چهارچوب قوانین و مقررات مربوط تا پایان سال ۱۳۹۵ ایجاد شده است با بدهی اشخاص یادشده به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی از طریق تسویه بدهی‌های بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی به بانک مرکزی که در چهارچوب قوانین و مقررات مربوط تا پایان سال ۱۳۹۵ ایجادشده، تا مبلغ یک میلیون میلیارد (۱.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال به صورت جمعی - خرجی از طریق انتشار اسناد تسویه خزانه، به شرح زیر تسویه نماید.

مبلغ مزبور به‌عنوان بدهی دولت به بانک مرکزی ثبت می‌شود. افزایش پایه پولی از این محل ممنوع است. سقف مجاز تسویه بدهی هر بانک و مؤسسه اعتباری به بانک مرکزی توسط این بانک تعیین می‌شود.

۱-۱- حداقل تهاتر بدهی از طریق اسناد (اوراق) تسویه خزانه برای اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی و تعاونی پانصد هزار میلیارد (۵۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال

۱-۲- تهاتر بدهی‌های نهادهای عمومی غیردولتی، بانک‌ها و شرکت‌های دولتی تابعه وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، نیرو و جهاد کشاورزی (صرفاً بابت یارانه قیمت‌های تکلیفی) و شرکت ملی نفت ایران پانصد هزار میلیارد (۵۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال با اولویت مطالبات حسابرسی شده و قطعی سازمان تأمین اجتماعی تا سقف پنج هزار میلیارد (۵.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال از منابع این

جزء به ستاد اجرائی فرمان حضرت امام (ره) و شرکت‌های تابعه و وابسته آن اختصاص می‌یابد.

۲- دولت مجاز است در پایان آذرماه ۱۳۹۷ مانده مصرف نشده سهم نهادهای عمومی غیردولتی و شرکت‌های دولتی تابعه وزارتخانه‌های مذکور را با بدهی‌های بخش‌های دیگر تسویه نماید.

۳- بانک مرکزی مجاز است به منظور استفاده حداکثری بانک‌ها از فرآیند تعریف شده در این بند، امکان نقل و انتقال مطالبات بانک‌ها از دولت، را در بازار بین بانکی فراهم نماید. ضوابط نقل و انتقال این اوراق و چگونگی توثیق آنها نزد بانک مرکزی، مطابق آیین‌نامه‌ای است که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

۴- نحوه تسویه مطالبات با منشأ قانونی نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت‌های دولتی، بانک‌ها، بیمه‌ها، اتحادیه‌ها و آستان‌های مقدسه، با حسابرسی ویژه، با رعایت ضوابط قانونی، مطابق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که با پیشنهاد مشترک سازمان برنامه‌بودجه کشور و وزارت امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

۵- ایجاد طلب جدید از دولت، در صورتی مجاز خواهد بود که از قبل تعهد و تضمین آن، با مبنای قانونی، توسط سازمان برنامه‌بودجه کشور صادر شده باشد.

۶- همزمان با تسویه اصل و سود مطالبات بانک‌های موضوع این حکم، کلیه وجوه التزام (جریمه‌های آن) در مورد اشخاصی که اصل و بدهی مطالبات آنها طبق حکم این جزء تهاتر و تعیین تکلیف شده‌اند، بخشوده می‌شود و بانک‌ها ادعائی در این خصوص از دولت و بدهکاران که بدهی آنها تسویه شده نخواهند داشت.

۷- به میزان تسویه مطالبات بانک‌ها از شرکت ملی نفت ایران مبالغ آن به حساب افزایش سرمایه دولت در این شرکت منظور خواهد شد.

۸- وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است عملکرد این بند را در گزارش عملکرد ماهانه بودجه عمومی منعکس نماید و در اجرای ماده (۱۰۳) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ منابع استفاده شده از محل افزایش بدهی دولت به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران را در صورت حساب عملکرد

بودجه درج کند.

گزارش عملکرد این بند توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی به صورت سه ماهه، به دیوان محاسبات کشور، کمیسیون‌های برنامه‌بودجه و محاسبات و اقتصادی مجلس شورای اسلامی ارائه می‌شود.

آیین‌نامه اجرائی این بند به پیشنهاد مشترک سازمان برنامه‌بودجه کشور، وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی، پس از تصویب این قانون، به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ز - دولت به منظور استمرار جریان پرداخت‌های خزانه‌داری کل کشور، تا مبلغ یکصد هزار میلیارد (۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال اسناد خزانه اسلامی با سررسید کمتر از یک سال منتشر و اسناد مزبور را صرف تخصیص‌های با اولویت طرح‌های تملک دارایی‌های استانی ابلاغی از سوی سازمان برنامه‌بودجه کشور موضوع این قانون نماید. انتشار این اسناد در طی شش ماهه اول سال انجام خواهد گرفت و سازمان برنامه‌بودجه استان‌ها موظف هستند در سه ماهه اول سال، نسبت به تخصیص اسناد به طرح‌های با اولویت استان اقدام و تعهد و تفاهم‌نامه با پیمانکار به تفکیک سهم هر استان و شهرستان انجام دهند. تسویه این اسناد در سررسید، مقدم بر تمامی پرداخت‌های خزانه‌داری کل کشور می‌باشد. انتقال تعهدات مربوط به اسناد منتشره به سال بعد، ممنوع است.

ح - دولت برای بازپرداخت اصل و سود اوراق سررسید شده در سال ۱۳۹۷ تا معادل سی هزار میلیارد (۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال اوراق مالی اسلامی ریالی منتشر نماید. اصل و سود و هزینه‌های مترتب بر انتشار این اوراق، در بودجه‌های سنواتی کل کشور پیش‌بینی می‌شود.

ط - به منظور سرمایه‌گذاری در طرح‌های نفت و گاز با اولویت میدین مشترک وزارت نفت و طرح‌های زیربنایی و توسعه‌ای وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارتخانه‌های مذکور از طریق شرکت‌های تابعه ذی‌ربط و با تصویب شورای اقتصاد، اوراق مالی اسلامی (ریالی یا ارزی) در سقف سی و پنج هزار میلیارد (۳۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال منتشر و بازپرداخت اصل و سود این اوراق توسط شرکت‌های مذکور از محل افزایش تولید همان میدین (برای طرح‌های وزارت

نفت) و عایدات طرح (برای طرح‌های وزارت صنعت، معدن و تجارت) تضمین نمایند. حداقل مبلغ بیست هزارمیلیارد (۲۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال از اوراق منتشرشده توسط شرکت ملی نفت ایران برای تأمین مالی زیرساخت‌های لازم و تأسیسات و ایستگاه‌های تقویت فشار خطوط لوله گاز طبیعی مایع شده (NGL) اختصاص می‌یابد.

ی - وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه ذی‌ربط برای بازپرداخت اصل و سود اوراق ارزی - ریالی سررسیدشده، تسهیلات بانکی و تضامین سررسیدشده و همچنین بازپرداخت بدهی‌های سررسیدشده به پیمانکاران قراردادهای بیع متقابل طرح‌های بالادستی نفت و گاز تا سقف معادل سه میلیارد (۳.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) دلار اوراق مالی اسلامی (ریالی یا ارزی) با تصویب هیأت وزیران منتشر نماید. شرکت‌های مذکور موظفند اصل و سود اوراق منتشرشده را حداکثر تا پنج‌سال از محل منابع داخلی خود تسویه نمایند.

ک - ۱ - به‌منظور مدیریت تبعات احتمالی انتشار اوراق مالی اسلامی در بازارهای پول و سرمایه کشور، کمیته‌ای متشکل از رئیس سازمان برنامه‌بودجه کشور، وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر نحوه انتشار اوراق موضوع این قانون نظارت خواهند کرد. نرخ‌های سود اسمی اوراق منتشره و میزان مجاز خرید اوراق فوق‌الذکر، توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، توسط این کمیته تعیین می‌شود.

۲ - اوراق و اسناد منتشره جهت تسویه بدهی دولت، موضوع بندهای (و)، (ز) و (ح) این تبصره، از هرگونه بررسی در کمیته مذکور مستثنی است.

۳ - نحوه صدور انتشار اوراق مربوط به شرکت‌ها و دستگاه‌هایی که بدون تضمین دولت منتشر می‌شود نیز مشمول جزء (۱) این بند می‌باشد.

۴ - وزارت امور اقتصادی و دارایی به نیابت از دولت مسئول انتشار اوراق مالی مربوط به دولت است.

ل - اوراق و اسناد این تبصره مشمول مالیات نمی‌شود.

م - دولت مبلغ ده هزار میلیارد (۱۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال اوراق مالی-اسلامی

جهت تکمیل و تجهیز فضاهای آموزشی وزارت آموزش و پرورش (سازمان
نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور) منتشر می‌نماید.

ن - در اجرای ماده (۱۲) قانون برنامه ششم توسعه و با رعایت قانون اجرای
سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی، دولت مکلف است
جهت رد بدهی خود به سازمان تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی
لشکری و کشوری، پس از اقدام لازم در اجرای جزء (۱- ۲) بند (و) این تبصره،
نسبت به تأدیه بدهی‌ها در سقف پانصد هزار میلیارد (۵۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال
با احتساب عملکرد جزء مذکور، از طریق روش‌های زیر اقدام نماید:

۱- ارائه حق‌الامتیاز و حقوق مالکانه در چهارچوب قوانین و مقررات پس از
محاسبات دقیق کارشناسی توسط کارشناسان خبره‌ای که به تأیید هیأت وزیران
می‌رسد.

۲- تأمین خوراک انرژی با قیمت ترجیحی برای واحدهای تولیدی موجود در
مناطق ویژه اقتصادی که به موجب قانون تشکیل شده‌اند.

۳- واگذاری پروژه‌ها و طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مهم در دست
اجرای کشور.

۴- واگذاری خانه‌های سازمانی دولتی که باید مطابق قوانین و مقررات به
فروش برسد.

س - سقف استفاده دولت از اوراق موضوع این تبصره، برای مصارف بودجه
عمومی، حداکثر معادل سقف پیش‌بینی شده در جدول شماره (۴) قانون برنامه
ششم توسعه می‌باشد و اجازه مصرف از اوراق منتشره مربوط به شرکت‌ها و
شهرداری‌ها در بودجه عمومی را ندارد.

ع - ستون متفرقه هزینه‌های ردیف ۱- ۱۵۱۰۰۰ جدول شماره (۷) این قانون
به صورت صددرصد (۱۰۰٪) تخصیص یافته خواهد بود.

آیین‌نامه اجرایی بند (و) و جزءهای (۳) و (۴) بند (و) تبصره (۵) قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور

مصوب ۱۳۹۷/۰۴/۲۰

وزارت امور اقتصادی و دارایی - وزارت نفت

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - وزارت دادگستری - وزارت نیرو - وزارت کشور
وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی - وزارت جهادکشاورزی - وزارت آموزش و پرورش
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - سازمان برنامه‌وبودجه کشور

هیأت وزیران در جلسه ۲۰/۴/۱۳۹۷ به پیشنهاد مشترک وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان برنامه‌وبودجه کشور و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و به استناد بند (و) و جزءهای (۳) و (۴) بند (و) تبصره (۵) قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور، آیین‌نامه اجرایی بند و جزءهای مذکور را به شرح زیر تصویب کرد:

آیین‌نامه اجرایی بند (و) و جزءهای (۳) و (۴) بند (و) تبصره (۵) قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور

ماده ۱- در این آیین‌نامه اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند:

الف - بند (و): بند (و) تبصره (۵) قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور.

ب - اسناد (اوراق) تسویه خزانه: اسناد تعهدی خاصی که در اجرای بند (و) صادر و شامل اسناد تسویه خزانه نوع اول و اسناد تسویه خزانه نوع دوم است.

پ - اشخاص متقاضی مشمول اسناد تسویه نوع اول: اشخاص حقیقی و حقوقی تعاونی و خصوصی و شرکت‌های دولتی (بابت بدهی‌های انتقالی در اجرای بند (پ) ماده (۲) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور - مصوب ۱۳۹۴) که در اجرای حکم بند (و)، مجاز به درخواست اسناد تسویه نوع اول هستند.

ت - اشخاص متقاضی مشمول اسناد تسویه نوع دوم: اشخاص حقیقی و حقوقی تعاونی و خصوصی و نهادهای عمومی غیردولتی، بانک‌ها، شرکت‌های دولتی

تابع وزارتخانه‌های جهادکشاورزی، آموزش و پرورش و نیرو (بابت یارانه قیمت‌های تکلیفی) و شرکت ملی نفت ایران که در اجرای حکم بند (و) مجاز به درخواست اسناد تسویه نوع دوم هستند.

ث - اسناد (اوراق) تسویه خزانه نوع اول: اسناد تعهدی خاصی که به منظور تسویه مستقیم بدهی قطعی دولت، با مطالبات قطعی دولت، از اشخاص متقاضی مشمول با رعایت مقررات این آیین‌نامه صادر می‌شود.

ج - اسناد (اوراق) تسویه خزانه نوع دوم: اسناد تعهدی خاصی که به منظور تسویه بدهی قطعی دولت به اشخاص متقاضی مشمول با بدهی اشخاص مذکور به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی از طریق تسویه بدهی‌های بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی به بانک مرکزی، با رعایت مقررات این آیین‌نامه صادر می‌شود.

چ - وزارت: وزارت امور اقتصادی و دارایی که نسبت به صدور اسناد (اوراق) تسویه خزانه اقدام می‌نماید.

ح - دستگاه طلبکار: وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی که دارای مطالبات قطعی از اشخاص متقاضی می‌باشند.

خ - دستگاه بدهکار: وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی (بابت اجرای طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای که اعتبارات آنها از محل بودجه عمومی دولت تأمین می‌شود) و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی (بابت اجرای طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای که اعتبارات آنها از محل بودجه عمومی دولت تأمین می‌شود) که دارای بدهی قطعی به اشخاص متقاضی هستند.

د - مطالبات قطعی دولت: مطالبات دستگاه‌های طلبکار از اشخاص متقاضی بابت منابع عمومی به استثنای منابع حاصل از نفت و فرآورده‌های نفتی، منابع حاصل از واگذاری شرکت‌های دولتی (با سررسید سال جاری و سال‌های آتی) و درآمدهای دارای مصارف خاص (درآمد - هزینه) که به تأیید ذی‌حساب (در دستگاه‌های اجرایی فاقد ذی‌حساب، مدیرمالی یا عنوانین مشابه) و رئیس/مقام مجاز دستگاه اجرایی ذی‌ربط رسیده باشد.

ذ - جریمه: مابه‌التفاوت نرخ وجه التزام تأخیر تأدیه دین با نرخ سود مندرج در قرارداد تسهیلات اعطایی در قالب عقود غیرمشارکتی یا نرخ بازده مورد انتظار تسهیلات اعطایی در قالب عقود مشارکتی.

ر - بدهی‌های قطعی دولت: بدهی دستگاه‌های بدهکار به اشخاص متقاضی که به استناد ماده (۱۹) قانون محاسبات عمومی کشور - مصوب ۱۳۶۶ - در چهارچوب قوانین و مقررات مربوط ایجاد و با توجه به ماده (۲۰) قانون مذکور تسجیل شده و به تأیید ذی‌حساب (در دستگاه‌های اجرایی فاقد ذی‌حساب، مدیرمالی یا عناوین مشابه) و رییس/ مقام مجاز دستگاه اجرایی ذی‌ربط رسیده باشد و یا توسط سازمان حسابرسی، حسابرسی ویژه شده باشد.

ز - بانک مرکزی: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

ماده ۲- ارقام بدهی و طلب دولت به/ از اشخاص متقاضی که مربوط به دستگاه اجرایی خاصی نباشد و یا توسط دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط اعلام نشده باشد، براساس تبصره (۲) ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی ماده (۱) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور موضوع تصویب‌نامه شماره ۶۱۲۴۰/ت ۵۲۲۳۰-هـ مورخ ۱۳۹۴/۵/۱۷ با تأیید سازمان حسابرسی، بدهی و طلب قطعی دولت تلقی می‌شود.

ماده ۳- نمونه کاربرد (فرم)ها و روش صدور اسناد (اوراق) تسویه خزانه نوع اول و دوم توسط وزارت تعیین می‌شود. اشخاص متقاضی، بانک‌ها و سایر دستگاه‌های اجرایی حسب مورد باید بر اساس روش اعلامی نسبت به تهیه و ارسال مدارک مورد نیاز اقدام نمایند.

تبصره ۱- ارایه درخواست برای اشخاص متقاضی ایجاد حق نمی‌کند.

تبصره ۲- کلیه دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری - مصوب ۱۳۸۶ - بر اساس اعلام وزارت و الزامات و تکالیف مقرر در ماده (۱) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور و آیین‌نامه اجرایی آن و بخشنامه‌های صادره، مکلفند اقدامات لازم را به عمل آورند.

ماده ۴- در اجرای جزء (۳) بند (و)، بانک‌های متقاضی می‌توانند (با تأیید بانک

طرف مقابل) پس از تأیید بانک مرکزی، نسبت به ارایه درخواست به انتقال مطالبات خود از دولت به سایر بانک‌ها و ارائه درخواست به وزارت جهت صدور اسناد (اوراق) تسویه خزانه نوع دوم خود، به نفع بانک دیگر، اقدام نمایند.

تبصره - در مواردی که بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی، موضوع تبصره (۵) ماده (۵) این آیین‌نامه، کمتر از مطالبات اشخاص متقاضی مشمول اسناد (اوراق) تسویه خزانه نوع دوم از دولت باشد، بانک‌های طلبکار، با درخواست اشخاص متقاضی، مجازند با اعلام وزارت، موافقت بانک‌های مقصد (با رعایت سقف بدهی بانک مقصد به بانک مرکزی) و تأیید بانک مرکزی، نسبت به انتقال مبلغ مازاد به سایر بانک‌های بدهکار به بانک مرکزی اقدام و نتیجه را به وزارت اعلام نمایند. وزارت مجاز است پس از اخذ تأییدیه‌های مذکور، با رعایت مقررات این آیین‌نامه نسبت به صدور اسناد (اوراق) تسویه خزانه نوع دوم، به نفع بانک مقصد، اقدام نماید.

ماده ۵ - به وزارت اجازه داده می‌شود نسبت به تسویه بدهی‌های دولت، به صورت جمعی-خرجی، از طریق صدور اسناد (اوراق) تسویه خزانه نوع اول و دوم به شرح زیر اقدام نماید:

الف - تا مبلغ بیست هزار میلیارد (۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال با صدور اسناد (اوراق) تسویه خزانه نوع اول.

ب - تا مبلغ یک میلیون میلیارد (۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال با صدور اسناد (اوراق) تسویه خزانه نوع دوم.

تبصره ۱ - ملاک تسویه حساب در صورتی که مبالغ بدهی‌های قطعی و مطالبات قطعی دولت/ بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی/ بانک مرکزی متفاوت باشد، مبلغ کمتر خواهد بود.

تبصره ۲ - سازمان برنامه‌بودجه کشور مکلف است پس از صدور اسناد (اوراق) تسویه خزانه نوع اول و دوم و براساس اعلام وزارت، با رعایت قوانین و مقررات مربوط، نسبت به ابلاغ اعتبار و تخصیص بابت بدهی‌های تسویه شده حسب مورد از محل اعتبار ردیف‌های (۱۲ - ۱۰۱۰۰) و (۱۴ - ۱۰۱۰۰) جدول شماره (۸) قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور اقدام نماید.

تبصره ۳- دستگاه بدهکار مکلف است در حین اجرای فرآیند تسویه موضوع این آیین‌نامه، از هرگونه تسویه دیگر، اعم از نقدی و غیرنقدی، خودداری نماید.

تبصره ۴- در اجرای این ماده تا سقف یک هزار میلیارد (۱.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال برای تهاثر بدهی دولت (بابت املاک آموزش و پرورش) با طلب دولت از ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) و شرکت‌هایی که حداقل سی درصد (۳۰٪) از سهام و یا مالکیت آنها متعلق به ستاد مذکور باشد، با تقاضای ستاد، از طریق صدور اسناد (اوراق) تسویه خزانه نوع اول تعلق می‌گیرد.

تبصره ۵- در اجرای جزء (۱) بند (و)، سقف مجاز تسویه بدهی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی به بانک مرکزی ظرف بیست روز پس از ابلاغ این آیین‌نامه، توسط بانک مرکزی به میزان سقف مصرح در قانون به وزارت اعلام می‌شود.

تبصره ۶- مطالبات اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی و تعاونی از دولت بابت طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای با بدهی اشخاص یادشده به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی از طریق تسویه بدهی‌های بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی به دولت، با صدور اسناد (اوراق) تسویه خزانه نوع اول قابل تسویه است.

ماده ۶- بدهی‌های قطعی دولت به اشخاص متقاضی که تا پایان سال ۱۳۹۶ ایجاد شده‌اند، از طریق صدور اسناد (اوراق) تسویه خزانه نوع اول و بدهی‌های قطعی ایجاد شده دولت تا پایان سال ۱۳۹۵، از طریق صدور اسناد (اوراق) تسویه خزانه نوع دوم قابل تسویه است.

تبصره - تسویه بدهی اشخاص مشمول به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی بر مبنای تسهیم به نسبت بین اصل و سود (قبل و بعد از سررسید) بدهی شخص مشمول به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی انجام و کلیه جریمه‌های آن متناسب با مبلغ تسویه شده بخشیده می‌شود. بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی ادعایی در این خصوص از دولت و بدهکاران که بدهی آنها تسویه شده است، نخواهند داشت.

ماده ۷- صدور اسناد (اوراق) تسویه خزانه نوع دوم با رعایت موارد زیر مجاز است:

الف - حداقل تهاتر بدهی برای اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی و تعاونی پانصد هزار میلیارد (۵۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال می‌باشد .

ب - تهاتر بدهی‌های نهادهای عمومی غیردولتی، بانک‌ها، شرکت‌های دولتی تابع وزارتخانه‌های نیرو، جهادکشاورزی و آموزش و پرورش و شرکت ملی نفت ایران، اتحادیه‌ها و آستان‌های مقدسه، با اولویت مطالبات حسابرسی شده و قطعی سازمان تأمین اجتماعی تا مبلغ پانصد هزار میلیارد (۵۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال. تا سقف پنج هزار میلیارد (۵۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال از منابع این بند به ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) و شرکت‌های وابسته و تابع آن که حداقل سی درصد (۳۰٪) از سهام و یا مالکیت آنها متعلق به ستاد مذکور باشد، اختصاص می‌یابد.

تبصره ۱- مانده مصرف نشده مبلغ مندرج در بند (ب) این ماده، در پایان آذرماه ۱۳۹۷ به بند (الف) قابل انتقال است.

تبصره ۲- مطالبات بانک‌ها از دولت از طریق تسویه بدهی آنها به سایر بانک‌ها با صدور اسناد (اوراق) تسویه خزانه نوع دوم قابل تسویه است.

تبصره ۳- تسویه بدهی ارزی و ریالی که در دفاتر شرکت ملی نفت ایران به صورت ریالی ثبت شده به بانک‌ها (صرف‌نظر از وجود/عدم وجود مطالبات شرکت مذکور از دولت) به حساب افزایش سرمایه دولت در این شرکت منظور خواهد شد. شرکت ملی نفت ایران مکلف است حداکثر ظرف شش ماه پس از صدور اسناد (اوراق) تسویه خزانه، نسبت به طی مراحل افزایش سرمایه و اعلام مراتب به وزارت اقدام نماید.

تبصره ۴- مطالبات بانک‌ها از اشخاص متقاضی مشمول، بابت تسهیلات ارایه شده از محل منابع حساب ذخیره ارزی و یا صندوق توسعه ملی قابل تسویه از طریق صدور اسناد (اوراق) تسویه خزانه نوع دوم، نمی‌باشد.

تبصره ۵- در اجرای بند (ب) این ماده در مواردی که درخواست حایز شرایط لازم سازمان تأمین اجتماعی به طور هم‌زمان با سایر اشخاص موضوع بند مذکور به وزارت ارایه شود اولویت صدور اسناد (اوراق) تسویه خزانه نوع دوم با سازمان مذکور می‌باشد.

ماده ۸ - وزارت مجاز است نسبت به تسویه مطالبات قطعی دولت از اشخاص حقیقی و حقوقی تعاونی و خصوصی که در اجرای حکم بند (پ) ماده (۲) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، به شرکت‌های دولتی (اعم از شرکت اصلی و یا شرکت‌های دولتی تابع آنها) منتقل شده است با بدهی دولت به شرکت‌های مذکور (اعم از شرکت اصلی و یا شرکت‌های دولتی تابع آنها) بابت مواردی مانند یارانه قیمت‌های تکلیفی (با تأیید سازمان حسابرسی) بدون لحاظ موارد مستثنی شده درخصوص منابع حاصل از واگذاری شرکت‌های دولتی مندرج در بند (د) ماده (۱) این آیین‌نامه از طریق صدور اسناد (اوراق) تسویه خزانه نوع اول اقدام نماید.

تبصره - سهم شرکت‌های دولتی تابع وزارت نیرو از یارانه قیمت‌های تکلیفی، توسط وزیر نیرو تعیین و به وزارت اعلام می‌شود.

ماده ۹ - در اجرای تبصره (۱) ماده (۲) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، وزارت مجاز است بدهی دولت به شهرداری‌ها با مطالبات دولت از آنها را تا سقف دو هزار میلیارد (۲.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال از طریق اسناد (اوراق) تسویه خزانه نوع اول، تسویه نماید.

ماده ۱۰ - تسویه بدهی‌ها و مطالبات اشخاص حقوقی که بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) سهام و یا مالکیت آنها به صورت مستقیم متعلق به اشخاص متقاضی باشد، از طریق صدور اسناد (اوراق) تسویه خزانه نوع اول و یا دوم (حسب مورد) مجاز است.

تبصره ۱ - در اجرای این ماده تسویه بدهی‌ها و مطالبات اشخاص حقوقی که به صورت غیرمستقیم متعلق به سازمان تأمین اجتماعی باشند، مجاز است.

تبصره ۲ - احراز میزان سهام و یا مالکیت موضوع این ماده بر عهده وزارت می‌باشد.

ماده ۱۱ - مطالبات قانونی نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت‌های دولتی، بانک‌ها، بیمه‌ها، اتحادیه‌ها و آستان‌های مقدسه که به موجب قوانین و مقررات ذی ربط ایجاد شده‌اند، باید به تأیید سازمان حسابرسی (براعتیاد مقرر قانونی ذی ربط و ابلاغیه‌های وزارت) برسد و تأییدیه سازمان حسابرسی توسط اشخاص متقاضی اخذ می‌شود.

ماده ۱۲- وزارت مجاز است نسبت به ایجاد و استفاده از سامانه الکترونیکی برای صدور اسناد (اوراق) تسویه خزانه نوع اول و دوم و اعلام تسویه حساب اقدام نماید. سازمان‌های ثبت اسناد و املاک کشور و ثبت احوال کشور و سایر دستگاه‌های اجرایی مربوط مکلف به همکاری لازم با وزارت می‌باشند. اعلام تسویه حساب از طریق سامانه مذکور مشمول قانون تجارت الکترونیکی - مصوب ۱۳۸۲ - بوده و در حکم تسلیم و صدور اسناد (اوراق) تسویه خزانه است.

ماده ۱۳- اسناد (اوراق) تسویه خزانه صادره در دستگاه‌های اجرایی مربوط حسب مورد به حساب دریافتی و پرداختی از محل ردیف‌های (۳۱۰۱۰۶) و (۳۱۰۹۰۱) جدول شماره (۵) قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور و اعتبار ردیف‌های (۱۲) - (۱۰۱۰۰۰) و (۱۴ - ۱۰۱۰۰۰) جدول شماره (۸) قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور منظور و اعمال حساب می‌شود. اعمال حساب جمعی-خرجی اوراق صادره، براساس دستورالعمل مربوط در چهارچوب نظام حسابداری بخش عمومی و استانداردهای حسابداری بخش عمومی انجام می‌شود. اسناد (اوراق) تسویه خزانه نوع اول در حکم منابع وصولی نقدی تلقی می‌شود.

ماده ۱۴- وزارت مکلف است ضمن انعکاس عملکرد این آیین‌نامه در گزارش عملکرد ماهانه بودجه عمومی، منابع استفاده شده از محل افزایش بدهی دولت به بانک مرکزی را در اجرای ماده (۱۰۳) قانون محاسبات عمومی کشور - مصوب ۱۳۶۶- در صورتحساب عملکرد بودجه درج و هر سه ماه یکبار گزارش عملکرد اجرای بند (و) را به دیوان محاسبات کشور، کمیسیون‌های برنامه‌وبودجه و محاسبات و اقتصادی مجلس شورای اسلامی و سازمان برنامه‌وبودجه کشور ارایه کند.

ماده ۱۵- سازمان برنامه‌وبودجه کشور مکلف است به منظور استفاده بانک مرکزی از اسناد (اوراق) تسویه خزانه نوع دوم برای پرداخت بدهی‌های آن بانک به دولت و دستگاه‌های دولتی (از جمله مالیات و سود سهام) نسبت به پیش‌بینی سازوکار اجرایی لازم در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور اقدام نماید.

ماده ۱۶- در اجرای تبصره بند (الف) ماده (۱۰) قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۹۵- بانک مرکزی مکلف است ظرف سه‌ماه از تاریخ ابلاغ این آیین‌نامه با همکاری سازمان

برنامه‌بودجه کشور، وزارت و معاونت حقوقی رییس‌جمهور نسبت به تنظیم و انعقاد قرارداد موضوع ماده یادشده بابت اسناد (اوراق) تسویه خزانه نوع دوم در اختیار، با سازمان برنامه‌بودجه کشور و وزارت اقدام نماید.

معاون اول رئیس‌جمهور - اسحاق جهانگیری

تبصره ۲ قانون بودجه سال ۱۳۹۸ کشور

تبصره ۲

الف -

۱- به دولت اجازه داده می‌شود در سال ۱۳۹۸، واگذاری بنگاه‌های دولتی موضوع جزء (۲) بند «د» سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۴/۳/۱ را پس از احراز صلاحیت حرف‌های و اهلیت متقاضی واگذاری انجام دهد و مصارف مربوط را از طریق جدول شماره (۱۳) این قانون پرداخت کند.

۲- بدهی دولت به بخش‌های خصوصی و تعاونی و نهادهای عمومی غیردولتی از محل واگذاری اموال و دارایی‌های متعلق به دولت و مؤسسات و شرکت‌های دولتی به استثنای موارد مصادیق مندرج در اصل هشتاد و سوم (۸۳) قانون اساسی و مشمول واگذاری موضوع قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی از طریق جدول شماره (۱۸) این قانون قابل پرداخت است

ب - شرکت‌های در حال واگذاری در سال ۱۳۹۸ مشمول حکم ماده (۴) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) می‌باشند.

ج - دولت (خزانه داری کل کشور) مکلف است سود سهام خود را در شرکت‌هایی که سهم دولت در آنها کمتر از پنجاه درصد (۵۰٪) است، وصول و به ردیف شماره ۱۳۰۱۰۸ جدول شماره (۵) این قانون واریز کند. دولت (خزانه داری کل کشور) مکلف است سود و زیان، سود دریافتی و میزان سهام دولت در این شرکت‌ها را به تفکیک هر شرکت، در گزارش‌های عملکرد مالی دولت منعکس و به روزرسانی کند.

د - دولت مکلف است با رعایت قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی، باقیمانده سهام خود در شرکت بیمه البرز را تا پایان سال ۱۳۹۸ واگذار کند و منابع حاصل را به ردیف درآمد عمومی ۳۱۰۸۰۱ جدول شماره (۵) این قانون نزد خزانه‌داری کل کشور واریز کند و تا سقف هفتصد و پنجاه و شش میلیارد (۷۵۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از محل بند (۳) ردیف ۱۰۱۰۰۰ جدول شماره (۸) این قانون صرف افزایش سرمایه شرکت سهامی بیمه ایران کند.

ه - وزارت ورزش و جوانان مکلف است با همکاری سازمان بورس و اوراق بهادار و سازمان خصوصی‌سازی حداکثر تا پایان شهریور ماه ۱۳۹۸، شرایط پذیرش دو شرکت فرهنگی - ورزشی پرسپولیس و استقلال را در بازار پایه فرابورس فراهم کند. پس از پذیرش در بازار پایه فرابورس و عرضه پنج درصد (۵٪) سهام هر یک از دو شرکت جهت کشف قیمت، پنجاه و یک درصد (۵۱٪) سهام آنها به صورت بلوکی و باقی سهام به صورت خرد عرضه می‌شود. درآمد حاصله به ردیف ۳۱۰۵۰۱ خزانه واریز می‌شود.

و - در اجرای ماده (۱۲) قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ و با رعایت قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی، دولت مکلف است جهت رد بدهی خود به سازمان تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی لشکری و کشوری و صندوق بازنشستگی فولاد پس از اقدام لازم در اجرای جزء (۱-۲) بند «و» تبصره (۵) این قانون، نسبت به تأدیه بدهیها در سقف پانصد هزار میلیارد (۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال با احتساب عملکرد جزء مذکور، از طرق مختلف از جمله روش‌های زیر اقدام کند:

۱- ارائه حق الامتیاز و حقوق مالکانه که به تأیید هیأت وزیران می‌رسد در چهارچوب قوانین و مقررات پس از محاسبات دقیق کارشناسی توسط کارشناسان خبره

۲- تأمین خوراک و انرژی با قیمت ترجیحی برای واحدهای تولیدی مرتبط با سازمان تأمین اجتماعی موجود در مناطق ویژه اقتصادی که به موجب قانون تشکیل شده‌اند.

۳- واگذاری طرح‌ها و زیرطرح‌های تملک دارایی‌های سرمای‌های مهم در دست اجرای کشور

۴- واگذاری خانه های سازمانی دولتی که باید مطابق قوانین و مقررات به فروش برسد مسؤلیت اجرای این بند بر عهده وزیر امور اقتصادی و دارایی است.

ز - سود سهام صندوق بازنشستگی فولاد در شرکت دخانیات ایران در سقف یکهزار میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال پس از واریز به صندوق بازنشستگی فولاد صرف پرداخت حقوق و درمان بازنشستگان صندوق بازنشستگی فولاد می شود.

ح - به دولت اجازه داده می شود مبلغ ده هزار میلیارد (۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از بدهی ناشی از عدم اجرای بند (۲) ماده (۲۹) قانون اجرای سیاست های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی از سال ۱۳۸۷ تاکنون را از طریق فروش سهام و دارایی های مالی تأمین کند و بهم منظور حمایت از نوسازی و بهسازی بنگاه های تعاونی و ایجاد اشتغال و کارآفرینی، در بخش تعاون در قالب افزایش سرمایه بانک توسعه تعاون هزینه کند.

ط -

۱- سازمان برنامه و بودجه کشور مکلف است با همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی حداکثر تا پایان تیرماه سال ۱۳۹۸ زیرساخت های لازم را جهت بهره برداری از سامانه یکپارچه اطلاعات شرکت های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی فراهم کند. کلیه شرکت های دولتی بانک ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت مندرج در پیوست شماره (۳) این قانون شامل شرکت ها و مؤسسات دولتی که شمول قوانین و مقررات عمومی به آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است، شهرداری های شهرهای با جمعیت بالای یک میلیون نفر و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی موظفند برای سال های برنامه ششم توسعه نسبت به ثبت و به روزرسانی اطلاعات خود و شرکت ها و مؤسسات تابعه از جمله صورت های مالی مصوب مجمع عمومی، بودجه تفصیلی مصوب و اصلاحی، عملکرد بودجه، اعتبارات سرمایه گذاری به تفکیک هر طرح، تعداد کارکنان (ترکیب آن و نوع قراردادها و حقوق و مزایای پرداختی به کارکنان) در سامانه مذکور حداکثر تا پایان شهریورماه سال ۱۳۹۸ اقدام کنند. سازمان برنامه و بودجه کشور مکلف است امکان دسترسی به اطلاعات سامانه مذکور را به صورت برخط برای وزارت امور اقتصادی و دارایی و دیوان محاسبات کشور فراهم کند. عدم ارائه اطلاعات فوق و عدم اقدام دستگاه های مذکور، در حکم تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولتی محسوب می شود. سازمان برنامه و بودجه

کشور موظف است هر شش‌ماه یکبار با همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی، گزارش عملکرد شرکت‌های موضوع این بند را به کمیسیون‌های «برنامه‌بودجه و محاسبات» و «اقتصادی» مجلس شورای اسلامی ارائه کند.

۲- به منظور تقویت نظام مدیریت، سازمان اداری و استخدامی کشور مکلف است با همکاری سازمان برنامه‌بودجه کشور و وزارت امور اقتصادی و دارایی، دستورالعمل شرایط احراز پست‌های مدیریتی کلیه مدیران عامل و اعضای هیأت مدیره شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت و شرکت‌ها و افرادی را که به نمایندگی صاحب سهم در شرکت‌ها به عنوان عضو هیأت مدیره معرفی می‌شوند را با رعایت قوانین مربوطه حداکثر تا پایان تیرماه سال ۱۳۹۸ تهیه و ابلاغ کند. دستگاه‌های مذکور موظفند ظرف مدت سه‌ماه بعد از ابلاغ این دستورالعمل، جایگزین کلیه افرادی که شرایط مندرج در این دستورالعمل را ندارند، تعیین کنند.

۳- تمامی شرکت‌های دولتی و مؤسسات موضوع ماده (۴) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ و سایر شرکت‌هایی که بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) سرمایه و سهام آنها منفرداً یا مشترکاً به وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی تعلق داشته باشد و همچنین شرکت‌ها و مؤسسات دولتی که شمول قوانین و مقررات عمومی به آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است از جمله شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های تابعه و وابسته به وزارت نفت و شرکت‌های تابعه آنها، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و شرکت‌های تابعه، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران و شرکت‌های تابعه مکلفند:

۱-۳- صورتجلسات تصویب بودجه سال ۱۳۹۸ خود را حداکثر تا پانزدهم خردادماه سال ۱۳۹۸ برای اخذ تأییدیه از سازمان برنامه‌بودجه کشور براساس ارقام مندرج در این قانون با رعایت مفاد «دستورالعمل تهیه و تنظیم بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت» (با تأکید بر ارائه بودجه تفصیلی مربوط) ارائه کنند.

۲-۳- مجامع عمومی خود را با رعایت بند «ه» تبصره (۲۰) این قانون برای تصویب صورت‌های مالی ۱۳۹۷ حداکثر تا سی و یکم شهریورماه سال ۱۳۹۸ برگزار کنند و صورتجلسات مربوط را حداکثر تا سیام مهرماه سال ۱۳۹۸ به تأیید وزارت

امور اقتصادی و دارایی برسانند.

۳-۳- صورتجلسات مجامع عمومی خود را پس از امضای رئیس مجمع عمومی به امضای رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور و وزیر امور اقتصادی و دارایی برسانند. هرگونه اقدام مغایر این رویه، تخلف محسوب می‌شود و صورتجلساتی که امضاهای مزبور را نداشته باشد، فاقد اعتبار قانونی خواهد بود.

۴-۳- در راستای افزایش بهره‌وری در شرکت‌های دولتی و استفاده بهینه از سرمایه‌ها و نقدینگی توسط مدیریت شرکت‌های دولتی، پرداخت هرگونه پاداش سالانه به اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت‌های دولتی در سال ۱۳۹۸ با رعایت ماده (۸۴) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)، صرفاً براساس افزایش بهره‌وری (افزایش سود، کاهش زیان انباشته، افزایش دارایی‌های جاری و ثابت، کاهش بدهی‌ها اعم از بازپرداخت تسهیلات و سایر بدهی‌ها) می‌باشد در غیر این صورت، هرگونه پرداخت پاداش به اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل، در حکم تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولتی محسوب می‌شود. در موارد استثناء که هرگونه کاهش یا افزایش موارد فوق خارج از اختیارات هیأت مدیره و مدیرعامل باشد، بعد از تأیید سازمان برنامه و بودجه کشور، پرداخت پاداش در چهارچوب قوانین مربوط امکان‌پذیر می‌باشد.

۴- هرگونه فعالیت خارج از وظایف مندرج در اساسنامه و اهداف تعیین شده برای شرکت‌های دولتی، ممنوع است.

۵- شرکت‌های دولتی مکلفند با هماهنگی سازمان اداری و استخدامی کشور، آمار نیروی انسانی خود را در سامانه کارکنان نظام اداری کشور ثبت کرده و تأییدیه مربوط را حداکثر تا آخر تیرماه سال ۱۳۹۸ به سازمان برنامه و بودجه کشور ارائه کنند تا مبنای محاسبه هزینه‌های پرسنلی در اصلاحیه احتمالی قانون بودجه سال ۱۳۹۹ کل کشور و لایحه بودجه سال ۱۳۹۹ کل کشور قرار گیرد.

۶- دولت مکلف است حداکثر ظرف مدت یک‌ماه از زمان ابلاغ این قانون نسبت به تعیین، ابلاغ و اعلام حقوق و مزایای مدیران عامل و اعضای هیأت مدیره موظف و غیرموظف شرکت‌های دولتی و وابسته به نهادهای عمومی در سه سطح کوچک، متوسط و بزرگ اقدام کند و کلیه شرکت‌های مشمول موظفند حقوق و مزایای

مصوب را از ابتدای سال ۱۳۹۸ مطابق آن پرداخت کنند. تخلف از این بند در حکم تصرف غیرقانونی در اموال عمومی است. آیین نامه اجرائی این بند توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی با همکاری وزارتخانه‌های «نفت» و «نیرو» و سازمان برنامه و بودجه کشور تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

۷- دولت مکلف است بودجه تفصیلی شرکت‌های دولتی را که حداکثر تا پایان آبانماه هر سال به تصویب مجامع آنها می‌رسد، در یک پیوست جداگانه تهیه و به همراه لوایح بودجه کل کشور برای بررسی به مجلس شورای اسلامی ارائه کند. مجامع عمومی شرکت‌های دولتی مکلفند ضمن رعایت کامل ماده (۷۵) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) در خصوص اصلاح بودجه تفصیلی شرکت، از هرگونه تغییر در هزینه‌های پرسنلی اعم از حقوق و مزایا و سایر پرداختی رفاهی به کارکنان شرکت و کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری اجتناب کنند.

۸- سازمان برنامه و بودجه کل کشور موظف است با همکاری وزارت نفت، نسبت به تنظیم روابط مالی جدید بین دولت و شرکت‌های اصلی تابعه وزارت نفت ظرف شش ماهه اول سال ۱۳۹۸ اقدام و پس از اخذ مجوزهای قانونی، در پیوست جداگانه‌ای، مبنای تهیه بودجه سال ۱۳۹۹ قرار دهد. روابط مالی جدید باید علاوه بر ایجاد شفافیت در رابطه دولت و شرکت‌های مذکور، همه منابع و مصارف مرتبط با نفت و گاز و مشتقات مربوطه را در بر گیرد و موجب تقویت عملکرد و هویت شرکتی آنها شود. سازمان برنامه و بودجه کشور موظف است علاوه بر بودجه شرکت‌هایی که مجموع سهام دولت و زیرمجموعه‌های دولتی در آنها بالای پنجاه درصد (۵۰٪) است، اطلاعات مربوط به کلیه شرکت‌هایی را که مجموع سهام دولت و زیرمجموعه‌های دولتی در آنها کمتر از پنجاه درصد (۵۰٪) است، به تفکیک میزان سهام، مبلغ سود سهام واریزی و اطلاعات عملکردی به صورت مستقل در پیوست ذریبط لایحه بودجه ۱۳۹۹ درج و ارائه کند.

۹- عضویت همزمان مقامات موضوع ماده ۷۱ (قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ و معاونان و مدیران دستگاه‌های اجرائی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۵) قانون محاسبات عمومی کشور و همچنین کارکنان شاغل در کلیه پست‌های مدیریتی و کارشناسی در مدیریت عاملی و

سایر مسئولیت‌های اجرائی و عضویت هیأت مدیره شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و سازمان‌ها، اعم از زیر مجموعه خود و زیرمجموعه سایر دستگاه‌ها ممنوع است. دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور مسئولیت بررسی و نظارت بر اجرای این حکم و پیگیری‌های قانونی مربوطه را دارند.

قانون تأمین اجتماعی

ماده ۵۰- مطالبات سازمان بابت حق بیمه و خسارات تأخیر و جریمه‌های نقدی که ناشی از اجرای این قانون یا قوانین سابق بیمه‌های اجتماعی و قانون بیمه‌های اجتماعی روستاییان باشد، همچنین هزینه‌های انجام شده طبق مواد ۶۵ و ۸۹ و خسارات مذکور در مواد ۹۹ و ۱۰۰ این قانون در حکم مطالبات مستند به استناد لازم‌الاجراء بوده و طبق مقررات مربوط به اجرای مفاد اسناد رسمی به وسیله مأمورین اجرای سازمان قابل وصول می‌باشد.